

کانون

ماهنامه

کانون دمکراتیک پناهندگان

دوره دوم - شماره یک اکتبر ۲۰۱۱



اطلاعیه کانون دمکراتیک پناهندگان
صفحه ۳

گزارش احمد شهید از وضعیت حقوق بشر در ایران
صفحه ۴

اسامی ناقضان حقوق بشر در ایران توسط اتحادیه اروپا
صفحه ۵

اختلاس سه هزار میلیاردی
صفحه ۶

انتخابات ۸۸ و اصل عدم شرکت مردم در انتخابات
صفحه ۷

وضعیت اسکان پناجویان در کمپهای پناهندگی در آلمان
صفحه ۸

شکست توطئه تروریستی جمهوری اسلامی در آمریکا
صفحه ۹

نتایج انتخابات پارلمانی و فدرال سوئیس
صفحه ۱۰

مشکلات پناجویان ایرانی در ترکیه
صفحه ۱۱

اندیشمندان مدرن، خداترسان پیش مدرن
صفحه ۱۳

الگوسازی و بیداری اسلامی
صفحه ۱۴

دموکراسی و فرهنگ سازگار
صفحه ۱۵

دهم اکتبر، روز جهانی مبارزه با اعدام
صفحه ۱۶

نگاهی به وقایع تاریخ معاصر در ایران
صفحه ۱۸

سرمقاله



کامبیز فرمانبر

آمده ایم تا طرحی نودراندازیم!

سنوالی مطرح است که چرا دوباره انتشار نشریه فارسی کانون را آغاز کردیم؟ همان طوریکه اطلاع دارید ماهنامه کانون به زبانهای آلمانی و فرانسه شش سال است که بدون وقفه منتشر می شود و نشریه فارسی کانون در دوره اول چهار سال انتشار یافت و به دلایل فنی و پرسنل سه سالی است که منتشر نمی شود.

اینکه چرا سکوتمان اینگونه طولانی شد؟ از دلایل اصلی نگارش این سرمقاله است. اما آنچه که در ابتدا خود را ملزم به بیان آن می دانم، بررسی اجمالی بحرانهای موجود در منطقه و شرایط مرگبار توده های مظلوم در جامعه ی طاعون زده ولایت فقیه است.

ادامه مقاله در صفحه ۲



برگزاری سه تظاهرات به مناسبت

بیست و سومین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷

دهها تن از اعضاء و هواداران کانون دمکراتیک پناهندگان سوئیس در پی فراخوان کانون، روزهای شنبه بیستم آگوست، دهم و هفدهم سپتامبر ۲۰۱۱، در یادمان قتل عام زندانیان سیاسی ایران در تابستان خونین ۱۳۶۷ هجری شمسی، در شهرهای برن، لوتزرن و بازل گردهم آمدند تا فریاد اعتراض خود را به گوش جهانیان برسانند و یاد هزاران زندانی سیاسی که در این تابستان خونین به فتوای خمینی قتل عام شدند را گرامی دارند.

همچنین حزب دمکرات کردستان، در حمایت از این تجمع پیامی صادر کرده و با حضور فعال در این مراسم باهمه توان حمایت خود را از این پیوند تاریخی و مبارزاتی با مردم اسیر ایران اعلام کرد.

در این مراسم همچنین آقای دکتر مجید مشیدی از فعالین سیاسی و حقوق بشر، با نگرشی به این جنایت تاریخی و عوامل این قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ سخنانی ایراد کردند و اظهار داشتند ما هرگز آمران و عامران این جنایت را نه می بخشیم و نه این وقایع ملی را فراموش خواهیم کرد. سپس نماینده حزب دمکرات کردستان پیامی را در حمایت از فراخوان کانون دمکراتیک پناهندگان، به سمع شرکت کنندگان رساند.

در جریان این تجمعات با شکوه، شرکت کنندگان یکصدا فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، مرگ بر خامنه ای و زنده باد آزادی سر می دادند. همچنین قطعنامه این تجمعات که به زبان آلمانی توسط کانون دمکراتیک پناهندگان تهیه شده بود در بین شهروندان سوئیس توزیع گردید و دهها نفر از ساکنین شهرهای برن، لوتزرن و بازل، لیستی را که به منظور محکومیت جنایات رژیم جمهوری اسلامی تهیه شده بود امضاء کردند.

جاودان باد خاطره پرافتخار جانباختگان و مبارزان راه آزادی

نابود باد رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی

بدانیم، بیاندهشیم، بپاخیزیم!

کامبیز فرماتبر

آمده ایم تا طرحی نو دراندازیم!

سؤالی مطرح است، که چرا دوباره انتشار نشریه فارسی کانون را آغاز کردیم؟ همان طوریکه اطلاع دارید ماهنامه کانون به زبانهای آلمانی و فرانسه شش سال است که بدون وقفه منتشر می شود و نشریه فارسی کانون در دوره اول چهار سال انتشار یافت و به دلایل فنی و پرسنل سه سالی است که منتشر نمی شود. اینکه چرا سکوتمان اینگونه طولانی شد؟ از دلایل اصلی نگارش این سر مقاله است. اما آنچه که در ابتدا خود را ملزم به بیان آن میدانم، بررسی اجمالی بحرانهای موجود در منطقه و شرایط مرگبار توده های مظلوم در جامعه ی طاعون زده ولایت فقیه است. آری منظورم ایران است. ایرانمان، که مدتهاست از آن در ذهنمان چیزی جز تاریکی، تجاوز، اعدام، ترور و سرکوب نقش نمی بندد.

انتشار دوره دوم نشریه فارسی کانون را در حالی آغاز می کنیم که در این وقفه سه ساله، با هم وطنان و همزمان بسیاری خداحافظی کردیم. چه جوانان مبارزی که در کوچه و خیابانهای شهرمان پرپر شدند، چه دختران و پسران آزاده ای که در سیاهچالهای ولی فقیه مورد تجاوز قرار گرفتند و یا سر به دار شدند و چه مبارزان در تبعیدی که با آرزوی دیدار دوباره وطن، از این دنیای پر هیاهو و فانی رخت سفر بر بستند.

روزنامه نگاران، دانشجویان و دگر اندیشان معترض همچنان در بندند و جوخه های اعدام از حضورشان یک دم آرام نمی گیرند. بازار تجاوز در سیاهچالهای رژیم همچنان داغ است و ولی فقیه از تداوم آن هیچ ترسی در دل ندارد. چرا که فریاد توده ها در نطفه خفه و دستان ناجیان به اصطلاح حقوق بشری بدست قدرتهای سرمایه داری از بیخ و بن بریده می شوند. جانان جمهوری اسلامی با ایجاد رعب و وحشت در بین توده ها، تئوری کثیف خود را که همانا سرکوب جنبشهای مردمی بود، کلید زدند و با اجرای طرح مخوف ترورهای برون مرزی و حمایت از حامیان تروریست همچون سوریه، لبنان و آمریکای لاتین، اهداف شوم خود که همانا سلطه بر خاور میانه است را با قدرت

هر چه تمامتر پیش می برند. از سوی دیگر، عدم توجه دولتهای اروپایی به مشکلات پناهندگان ایرانی در هنگام خروج از کشور و ایجاد فضای سرکوب و خفقان و عدم برخورداری از آزادی بیان و عقیده در داخل کشور از عمده مشکلات پناهندگان سیاسی است که افزایش بحرانهای اقتصادی جامعه اروپا از یک سو و نیاز جامعه اروپا به روابط مالی و داد و ستد های نفتی با رژیم از سوی دیگر، به تشدید این شرایط سخت تبعید دامن می زند.

شاید برای دیگر ملیتهای جهان، دوران پناهندگی تنها یک مرحله از زندگی باشد و در چشم برهم زدنی با تمام زیباییها و زشتی هایش تمام شود. اما آنچه مسلم است برای ما ایرانیان دور از وطن، سیاه ترین و تاریکترین دوران تاریخ بشریت است که رژیم دجال ولایت فقیه، ناجوانمردانه و به ناحق برای هر یک از ما تبعیدیان رقم زده است. آری، تلخ است تلخ. اما ما پذیرفته ایم که تلخ هم یک مزه است.

چه روزها که زیر باران و برف، در سرما و گرما، در کنار هم به میدان نبرد با رژیم جنایت پیشه آخوندی آمدیم و حماسه آفریدیم. جورها را جور کردیم و ناجورها را دور. در مبارزات سخت با جنایات رژیم خواستیم که برنده باشیم و سی و سه سال بهای این خواستن را دادیم. تا شاید در عکاسخانه ذهن آیندگانمان، تصویری از ظلم ستیزی و مبارزات حق طلبانه مان نقش ببندد. تا جایی که دیگر سیاهی معنا نداشته باشد. تا روزی که پرچم سه رنگ ایرانمان را برای همیشه بر افراشته نگه داریم.

یاران، دوباره آمدیم تا صادقانه به هم وطنانمان در غربت بگوییم، باید که متحد شویم، و در پی رسیدن به اهداف کوچکمان به آرمانهای بزرگ توده های پیا خواسته و خود جوش پشت پا نزنیم.

آری، ماهنامه کانون در ابتدای فصلی تازه است، و ما از تمامی ایرانیان و آزادی خواهان تقاضا داریم پیشنهادات، نظرات و مطالب خود را برای کمک به انتشار نشریه ای پویا و ضد رژیم ارائه دهند. نشریه فارسی کانون، تریبونی است برای درهم شکستن دیوار سانسور و اختناق، برای انعکاس ظنین مبارزات کارگران و مزدبگیران، بیکاران،

محرومان، زنان، ملیتها، اقلیتهای قومی و مذهبی، جوانان و روشنفکران ایران که برای آزادی و برابری پیکار می کنند. متکی بر همیاری هموطنانی است که علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی و برابری تلاش می کند. امیدواریم بتوانیم همراه با ایرانیان آزاده در سوئیس، به تغییر این شرایط کمک نموده و صدای آزادیخواهی مردم ایران را طنین انداز کنیم. اما نیک می دانیم، مشکلات کم نخواهد بود.

نشریه فارسی کانون متعلق به کانون دمکراتیک پناهندگان است و به دور از هر گونه تنگ نظری و نقد سکتاریستی است، و به طور مستمر در جهت کاهش هرچه بیشتر تضاد میان نیروهای آزادیخواه و انقلابی تلاش می کند و در راستای افشای رژیم اسلامی و تروریستی ایران و خیانت های نیروهای سازشکار و فرصت طلب، فعالیت می نماید.

نشریه فارسی کانون، یک هدف و تنها یک هدف از انتشار دوره دوم و ادامه کارش دارد و آن هم اطلاع رسانی است. هئیت تحریریه هیچ ادعایی ندارد و هیچوقت هم مانند بعضی از رسانه ها دچار توهم نشده و نخواهیم شد. بخوبی به رسالت یک رسانه مستقل و در عین حال متعهد به مبارزه با ظلم و ستمی که بر مردم ایران می رود، واقفیم و در همین راستا انجام وظیفه می کنیم. نشریه فارسی کانون، در این راستا میکوشد تا با انتقال و پخش منظم و مداوم اطلاعات و اخبار در مورد اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران و پناهندگی و Integration در سوئیس، ضمن کمک به حفظ هویت فرهنگی و قومی مهاجران و پناهندگان ایرانی ساکن سوئیس، شرکت فعال داشته باشد.

گرچه آمدن سخت بود، از این بابت از هئیت اجرایی کانون دمکراتیک پناهندگان می بایست تشکر کرد که انتشار دوره جدید نشریه فارسی کانون را سازماندهی نمود و پیگیرانه برای پر محتوای شدن آن تلاش دارد. در راه انتشار نشریه فارسی کانون، هئیت تحریریه هر کمکی که در راستای اهداف فوق باشد را به گرمی پذیرا خواهد بود.



بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!

اطلاعیه

کانون دمکراتیک پناهندگان

ماه سپتامبر سالگرد هشتمین سال تاسیس و فعالیت موفقیت آمیز کانون دمکراتیک پناهندگان را آغاز می کنیم. تشکلی که فعالیت های خود را بر پایه دو محور اصلی ۱- افشای رژیم جمهوری اسلامی جنایتکار و نیروهای واپسگر ۲- دفاع از حقوق پناهندگان، پناهجویان و مبارزه علیه حذف سیستماتیک حق پناهندگی، سازماندهی کرده است. مجموعه این فعالیت های سراسری در این مدت زمان بر هیچ کسی پوشیده نیست. آوازه این فعالیت های موفقیت آمیز علیه جمهوری اسلامی و در دفاع از حقوق پناهندگان ایرانی از مرزهای سوئیس نیز گذر کرده است.

اعضاء و هواداران کانون دمکراتیک پناهندگان، به اطلاع شما می رسانیم که برای گسترش فعالیت ها در آینده و تقویت توانائی هیئت اجرائی، آقایان حمزه طوماری و حمید عبدالقفاری از فعالین سیاسی و عضو کانون دمکراتیک پناهندگان، با توجه به سابقه و تجربه جدی چندین ساله فعالیت ایشان، به عنوان عضو جدید از طرف هیئت اجرائی رسماً انتخاب شدند و از همین ماه بلادرنک فعالیت و مسئولیت ایشان در چارچوب هیئت اجرائی آغاز خواهد شد.

بدیهی است که تمام اعضاء و هواداران کانون دمکراتیک پناهندگان و جامعه پناهندگان ایرانی مقیم سوئیس، این انتخاب را به آقایان حمزه طوماری و حمید عبدالقفاری تبریک می گویند و امیدوارند که در مسئولیت جدید، آنان بتوانند با انرژی و پیگیری در راستای مبارزه علیه جمهوری اسلامی و دفاع از حقوق پناهندگان فعال باشند.

جهت اطلاع، طبق رای گیری در جلسه هیئت اجرائی در سالگرد تاسیس کانون آقای صادق انشائی مجدداً برای یک سال دیگر به عنوان مسئول کانون انتخاب شدند.

هیئت اجرائی
پناهندگان کانون دمکراتیک
سپتامبر ۲۰۱۱

اطلاعیه

معرفی مسئول جدید شورای اجرائی رادیو ندای مقاومت

ایرانیان آزاده، اعضاء و هواداران کانون دمکراتیک پناهندگان شورای اجرایی رادیو آخرین نشست سال جاری خود را به تاریخ ۲۱ اکتبر برگزار کرد. در این نشست مسئول کانون آقای انشائی نیز حضور داشتند. در این جلسه فعالیت رادیو ندای مقاومت در یک سال گذشته بازنگری شد و راه کارهای جدید برای غنی تر کردن برنامه های رادیو در سال آینده ارائه شد و سپس مسئول جدید شورای اجرایی رادیو از بین اعضاء شورای اجرایی با رای گیری انتخاب شد.

در این جلسه آقای دلشاد روانبخش رسولی به عنوان مسئول شورای اجرایی رادیو انتخاب شدند، ایشان یکی از اعضاء شورای اجرایی رادیو و برنامه سازان می باشد. ما برای ایشان در راستای به ثمر رساندن اهداف رادیو، آرزوی موفقیت می کنیم و با شناختی که از ایشان داریم، مطمئن هستیم، او به طور جدی پی گیری امور رادیو ندای مقاومت را در اولویت کارهای خود قرار خواهد داد. بدیهی است که تمام اعضاء و هواداران کانون دمکراتیک پناهندگان و جامعه پناهندگان ایرانی مقیم سوئیس، این انتخاب را به آقای دلشاد روانبخش رسولی تبریک می گویند و امیدوارند که در مسئولیت جدیدشان بتوانند با انرژی و پیگیری بیشتر در راستای مبارزه علیه جمهوری اسلامی و دفاع از حقوق پناهندگان فعال باشند.

شورای اجرایی رادیو ندای مقاومت
۲۱ اکتبر ۲۰۱۱

بدانیم، بیاندیشیم، بپاخوریم!

گزارش احمد شهید گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد از وضعیت حقوق بشر در ایران

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در ماه فروردین گذشته به تعیین یک گزارشگر ویژه برای ایران رای داد و در ماه خرداد، احمد شهید، وزیر امور خارجه سابق مالدیو را به عنوان گزارشگر ویژه انتخاب کرد. ایران که اتهام نقض گسترده حقوق بشر را رد می کند با سفر احمد شهید به این کشور مخالفت کرده است.

این گزارش به شش فصل تقسیم می شود:

- نحوه رفتار با فعالان جامعه مدنی

- آزادی اجتماعات

- حقوق زنان

- اقلیت های قومی و مذهبی

- مجازات اعدام

- حبس به خاطر ارتباط با نهادهای خارجی

آقای شهید در بخش فعالان سیاسی در مورد وضع میر حسین موسوی، زهرا رهنورد، مهدی کروبی و فاطمه کروبی، از رهبران مخالفان دولت در ایران، صحبت کرده اند و شرایط این چهار نفر را بسیار نگران کننده خوانده است.

احمد شهید به وضعیت روزنامه نگاران زندانی پرداخته و از میان ۳۴ روزنامه نگاری که به استناد نامه کمیته دفاع از روزنامه نگاران در ایران زندانی هستند از احمد زیدآبادی، محمد داوری، عیسی سحرخیز، حسین رونقی مالکی، مسعود باستانی، بهمن احمدی امویی، محمد صدیق کبودوند، و کیوان صمیمی نام برده و موارد محرومیت آنها از حقوق اولیه شهروندی را شرح داده است.

همچنین مرگ هدی صابر در زندان در پی اعتصاب غذا و عدم رسیدگی پزشکی را یکی از نمونه های بسیار نگران کننده از رفتاری های به گفته وی اختیاری با زندانیان خوانده است. گزارشگر ویژه حقوق بشر در بخش هنرمندان گزارش خود از حکم شش سال حبس برای کارگردانان سرشناس سینمای ایران، جعفر پناهی و محمود رسول اف و

حکم پنج سال زندان که در غیاب محسن نامجو برای این خواننده صادر شده، به عنوان نمونه های نقض حقوق بشر انتقاد کرده است.

آقای شهید در بخش وکلا، با استناد به گزارش شیرین عبادی؛ می گوید ۴۲ وکیل دادگستری در ایران عمدتاً به خاطر دفاع از موکلین شان با آزار و اذیت، بازداشت، زندان و محدودیت در انجام وظایف وکالت مواجه شده اند. در صدر این فهرست، نام نسرين ستوده و حکم ۱۱ سال زندان و ۲۰ سال محرومیت از وکالت در دادگاه بدوی قرار دارد.

در بخش حامیان محیط زیست، به بازداشت دست کم ۶۰ نفر در پی اعتراضات مردم به خشک شدن دریاچه ارومیه اشاره می کند و از سرکوب حق اعتراض و آزادی ابراز نگرانی می کند. در آغاز فصل آزادی اجتماعات با یادآوری به رسمیت شناخته شدن حق مردم برای تجمع مسالمت آمیز در کنوانسیون جهانی حقوق بشر که دولت ایران به آن پیوسته و باید آن را رعایت کند از "نقض گسترده" این حق در ایران انتقاد کرده است.

او در بخش حقوق زنان با اشاره به "قوانین تبعیض آمیز" علیه زنان در ایران به تلاش های فعالان حقوق آنان پرداخته است. و از احکام زندان فعالان سیاسی و اجتماعی از جمله بهاره هدایت، عضو دفتر تحکیم وحدت که به نه سال و نیم زندان محکوم شده و محبوه کرمی، که محکومیت سه سال زندان را می گذرانند به عنوان مثال های نقض آزادی های ابتدایی نام برده است.

آقای شهید در بخش اقلیت های قومی و مذهبی، از "نقض گسترده" حقوق اساسی این بخش بزرگ از جامعه، توسط دولت ایران انتقاد کرده است. او با اشاره به "آزار و اذیت تاریخی" بهائیان و مسیحیان به ویژه کسانی که از سایر ادیان به ویژه اسلام به مسیحیت گرویده اند به زندان می افتند و احکام سنگین از جمله اعدام برایشان صادر می شود. او هم چنین از برخورد های اخیر با درویش ابراز نگرانی کرده است.

آقای شهید از افزایش چشمگیر اعدام ها در زندان های ایران به شدت انتقاد کرده است. او با اشاره به آمار رسمی ۲۰۰ اعدام در ۱۰ ماه اخیر و گزارش ها مبنی بر ۳۰۰ اعدام مخفیانه در زندان وکیل آباد مشهد و ۱۰۰ زندانی جوان و نوجوان که در انتظار اعدام به سر می برند، استفاده گسترده از این مجازات را بسیار نگران کننده خوانده است.

بان کی مون دبیر کل سازمان ملل متحد در گزارش سالانه خود از ادامه نقض حقوق بشر در ایران ابراز نگرانی کرده است.



گزارش سالانه بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل، درباره وضعیت حقوق بشر در ایران از نقض شدید حقوق بشر در ایران و ادامه عدم همکاری لازم مقامات جمهوری اسلامی با سازمان ملل در این زمینه یاد کرده است. بان کی مون دبیر کل سازمان ملل متحد در گزارش خود به شصت و ششمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل، از افزایش شدت سرکوب مدافعان حقوق بشر، حامیان حقوق زنان، روزنامه نگاران و مخالفان دولت در ایران توسط مقام های جمهوری اسلامی در سال گذشته خبر داده است.

دبیر کل سازمان ملل در این گزارش به نگرانی عمده نهادهای وابسته به حقوق بشر در سازمان ملل در رابطه با اعمال شکنجه، بازداشت های خودسرانه، محاکمه های غیر عادلانه توسط جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده است. او به افزایش اعدام ها در سال ۲۰۱۱ میلادی در ایران به ویژه اعدام در ملاء عام را قابل توجه دانسته است.



بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!

گفتنی است که طبق داده‌های کمپین بین‌المللی دفاع از حقوق بشر در ایران، مقامات جمهوری اسلامی در سال ۲۰۱۰ دست کم ۵۴۲ تن را اعدام کرده‌اند. به گزارش سازمان عفو بین‌الملل، ایران در سال گذشته در زمینه اعدام پس از چین و پیش از کره شمالی در رتبه دوم جای داشته است. این در حالی است که بسیاری از ناظران حقوق بشر، شمار اعدام‌شدگان در زندان‌های ایران را از آمار رسمی اعلام شده بسیار بالاتر می‌دانند. بان کی‌مون در گزارش خود همچنین به تضییقاتی که نسبت به اقلیت‌های مذهبی و به‌ویژه بهاییان اعمال می‌شود اشاره می‌کند. وی از بازداشت اعضای جامعه بهایی ایران و نیز نقض آزادی مذهب ابراز نگرانی می‌کند. دبیرکل سازمان ملل از جمهوری اسلامی خواسته که کنوانسیون حذف اشکال تبعیض علیه زنان و کنوانسیون منع شکنجه و مجازات‌های بی‌رحمانه و غیرانسانی را امضا کند. دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام کرده است در سال ۲۰۱۰ میلادی، مجموعاً ۳۸ مورد نقض حقوق بشر در ایران وجود داشته که از طرف گزارشگران ویژه این سازمان با مقام‌های جمهوری اسلامی مطرح شده که تنها به ۱۳ مورد این سوالات پاسخ داده شده و از سال ۲۰۰۵ میلادی تاکنون تقاضای هر ساله گزارشگر ویژه امور شکنجه برای سفر به ایران و تحقیق و تهیه گزارش توسط مقام‌های دولت جمهوری اسلامی بی‌پاسخ مانده است. در کنار این تقاضا، درخواست گزارشگران ویژه موضوعی آزادی بیان، استقلال قضات و وکلای مدافع، اقلیت‌های مذهبی و حق دسترسی به غذا نیز بی‌پاسخ مانده است.

در این گزارش با اعلام نام قربانیان از جمله موارد شکنجه زندانیان سیاسی و عقیدتی، اجرای مجازات شلاق، قطع اعضای بدن مجرمان، افزایش اعدام‌ها از جمله اعدام در انتظار عمومی و اعدام افرادی که در سن نوجوانی مرتکب جرم شده‌اند، سرکوب مدافعان حقوق زنان، سرکوب اقلیت‌های قومی و مذهبی پرداخته شده است. و همچنین به عدم اساسی‌ترین و بنیادترین آزادی‌ها مانند حق آزادی بیان و ابراز عقیده، حق گردهمایی و برگزاری اجتماعات برای شهروندان ایرانی اشاره شده و اینکه هرگونه انتقادی توسط مقام‌های جمهوری اسلامی به شدت سرکوب می‌شود.

اسامی ناقضان حقوق بشر در ایران توسط اتحادیه اروپا

اسامی اعلامی اتحادیه اروپا از ناقضان حقوق بشر در ایران که شامل اقدامات محدود کننده می‌شوند و دارایی‌های این اشخاص مسدود و همچنین به اتحادیه اروپا ممنوع‌الورود هستند در روز ۱۰ اکتبر اتحادیه اروپا بر بسط لیست ناقضان حقوق بشر در ایران که شامل تحریم می‌شوند به توافق رسید که این موضوع نشانی از نگرانی جدی اتحادیه اروپا در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران است. ۲۹ نفر به لیست اولیه ۳۲ نفره در آوریل ۲۰۱۰ اضافه شده‌اند. این اشخاص همگی مرتکب نقض‌های جدی حقوق بشر شده‌اند مانند شکنجه و اجرای حکم اعدام به واسطه اتهاماتی مبهم و به دور از دادگاهی عادلانه. دارایی‌های این اشخاص مسدود می‌شود و آنها به اتحادیه اروپا ممنوع‌الورود خواهند شد.

این لیست به طور مداوم در دست بررسی است و اتحادیه اروپا به جمع‌آوری سند علیه آن‌هایی که به نقض شدید حقوق بشر مبادرت دارند ادامه می‌دهد. اتحادیه اروپا می‌خواهد مشمولان این لیست رویه‌ی خود را تغییر دهند و هم چنین دیگران به این اقدامات توجه کنند و خود را در نقض حقوق بشر دخالت ندهند.

محمود عباسزاده مشکینی

و انتخابات وزارت کشورمدیرکل دفتر سیاسی

علیرضا اکبرشاهی

فرمانده انتظامی استان تهران

سید علیرضا آوایی

رئیس کل دادگستری استان تهران

جابر پانثی

دادستان شیراز

سید حسن فیروزآبادی

فرمانده ستاد کل نیروهای مسلح ایران

مصطفی برزگر گنجی

دادستان شهرستان قم

محمدرضا حبیبی

دادستان عمومی و انقلاب اصفهان

محمد حجازی

فرمانده قرارگاه ثارالله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

نبی‌الله حیدری

رئیس پلیس فرودگاه‌های کشور

یدالله جوانی

رئیس اداره سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

مسعود جزایری

معاون فرهنگی ستاد کل نیروهای مسلح

محمد صالح جوکار

رئیس سازمان بسیج دانش آموزی و فرهنگیان

بهروز کمالیان

مدیر گروه امنیت سایبری آشیانه، مرتبط با

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ متولد ۱۹۸۳

موسی خلیل‌اللهی

دادستان عمومی و انقلاب تبریز

صادق محصولی

وزیر کشور سابق تا ماه اوت سال ۲۰۰۹

مجتبی ملکی

دادستان عمومی و انقلاب کرمانشاه

مهرداد امیدی

مدیر کل جرایم خاص و رایانه ای معاونت

آگاهی نیروی انتظامی

محمود سالارکیا

معاون دادستان تهران در امور زندانها

حسین طلا

فرماندار تهران تا سپتامبر ۲۰۱۰

مرتضی تمدن

استاندار تهران و از اعضای سپاه پاسداران

انقلاب اسلامی

حسین نجفی

معاون قضایی دادستان کل کشور

محمد کاظم بهرامی

رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح

سید مرتضی بختیاری

وزیر دادگستری؛ فرماندار سابق اصفهان؛ و

مدیر سازمان زندانها تا ژوئن ۲۰۰۴

سید محمد حسینی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از سپتامبر

۲۰۰۹؛ از اعضای سابق سپاه پاسداران

حیدر مصلحی

وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی ایران

حجت‌الله سوری

مدیر بازداشتگاه اوین

عزیز حاج محمدی

قاضی سابق شعبه یک دادگاه اوین و قاضی

فعلی شعبه ۲۱ دادگاه کیفری استان تهران

محمدباقر باقری

معاون دادگستری استان خراسان جنوبی

حسن آخریان

شهررئیس بند ۱ زندان رجایی

بدانیم، بیان‌دیشیم، بپاخیزیم!

حسینی وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی :
رسانه ها اصطلاح اختلاس را به کار نبرند،
زیرا این یک «عنوان مجرمانه» است و این
یک تخلف بانکی است

در پی اعلام اختلاس حدود ۳ هزار میلیارد تومانی در بانک صادرات توسط موسس بانک آریا و خریدار سهام شرکت‌هایی مانند شرکت مضمول اصل ۴۴ فولاد خوزستان، در حالی مدیرعامل بانک صادرات و رئیس سازمان بازرسی مواضع خود را اعلام کردند که اکبر سهیلی‌پور رئیس سازمان حسابرسی هم که مسئولیت حسابرسی این بانک و دیگر بانک‌ها و حدود هزار شرکت دیگر را به عهده دارد، چگونگی این اختلاس بی‌سابقه را اعلام کرد اما گفت نمی‌توان فقط بانک صادرات و یا ۷ بانک دیگر را مقصر دانست و این موضوع باید توسط دستگاه قضایی بررسی و اعلام شود. از قرار معلوم شخصی که مرتکب این اختلاس شده از طریق یکی از شعب بانک صادرات و با گرفتن مشاوران و کارشناسان بانکی اقدام به تهیه اعتبار اسنادی خارج از عرف بانکداری، خارج از سیستم نرم‌افزاری بانک و حدود اختیارات و بدون ثبت در دفاتر و مسئولیت شعبه، البته با دادن رشوه یک میلیارد تومانی به رئیس شعبه می‌کند. در حالی که طبق اعلام بانک صادرات برای صدور اسناد اعتباری بیش از دو میلیارد تومان باید تاییدیه مرکز هم دریافت می‌شد. به هر حال شخص اختلاس‌کننده با دریافت این اسناد اعتباری اقدام به واگذاری و تنزیل در هفت بانک دیگر کرده و در سر رسید هم با گرفتن اعتبار بیشتر نسبت به تسویه اسناد قبلی اقدام می‌کرد و به همین دلیل حجم اختلاس به ۳ هزار میلیارد تومان رسیده است. با بررسی شماره سریال قراردادهای و همچنین بررسی و تحلیل حجم اعتبارات و تناسب میزان کارمزدها، کارکنان و مسئولان بانک صادرات متوجه این موضوع می‌شوند. عمده این قضیه هم در سال مالی ۸۹ و جاری رخ داده که به دلیل جعل و تبانی عدم انعکاس رویدادها در دفاتر و عدم دریافت اطلاعات توسط سازمان حسابرسی، بعد از رخ دادن آن متوجه شدیم.

مرتکب این اختلاس بعد از تاسیس بانک آریا از طریق آورده نقدی ده درصدی خود و منابع مالی مردمی و دیگران، اقدام به خریداری

شرکت‌هایی مانند فولاد خوزستان، تراورس و اکسین می‌کند. در این میان با بریز و بیاش‌هایی هم که در شرکت فولاد خوزستان کرده موجب گرفتاری‌های بیشتری شده است. اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی در سیستم بانکی جمهوری اسلامی ایران شاید بزرگترین فساد مالی در طول نزدیک به ۳۳ سال حیات جمهوری اسلامی ایران باشد که برملا شده است. اما اولین نمونه فساد مالی در ایران نبوده و احتمالاً آخرین آن هم نخواهد بود. اختلاسی که رد پای بالاترین مقام‌های مسئول در ایران در آن هویداست و هیچ کدام از چهره‌های برجسته نظام اسلامی هم نتوانستند درباره اش سکوت کنند.

غلامحسین محسنی اژه‌ای سخنگوی قوه قضائیه و دادستان کل کشور، مسئولیت پی‌گیری پرونده اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی را به‌عهده دارد. او به خیرگزاری‌های داخلی گفته است که علاوه بر ۲۲ متهم پیشین، ۲۰ نفر دیگر برای تحقیق احضار و برای ۱۴ نفر از آن‌ها قرار بازداشت موقت صادر شده است. محمد نهاوندیان رئیس اتاق بازرگانی ایران اعلام کرده است: ۲۰ هزار نفر کارمند و کارگر در استخدام شرکت‌های متعلق به گروه امیرمنصور آریا هستند و گروه اختلاس‌کننده ۵۲ کارخانه دارد. وی تأثیری را که اختلاس بزرگ بر اعتماد عمومی گذاشته بزرگتر از لطمه اقتصادی این اختلاس دانسته است. این درحالی است که طرح حتی محدود، ناقص و نادقیق گزارش‌ها از اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی در مطبوعات رسمی ایران، برای خامنه‌ای، به موضوعی مزاحم تبدیل شده و بطوریکه وی خطاب به رسانه‌ها گفته موضوع اختلاس ۳ هزار میلیاردی را بیش از این «کش ندهند» و از «ادامه هیاهو و جنجال» دست بردارند.

وقتی دست مطبوعات برای اطلاع رسانی آزاد بسته باشد، دست مسئولان برای دزدی و اختلاس باز می‌ماند. بطوریکه هاشمی رفسنجانی اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی را حاصل نبودن نظارت رسانه‌های دانسته است. چیزی که در ایران تازه‌گی ندارد. هاشمی رفسنجانی ۱۹ مهرماه در دیدار با سازمان دانشجویی کار گفت: خارج کردن افکار عمومی و رسانه‌ها از حوزه نظارت بر عملکرد مسئولان کشور، خسران

جبران‌ناپذیری را برای جامعه به همراه دارد که مفسده اقتصادی اخیر نمونه بارز این مسئله است. شمس‌الدین حسینی وزیر اقتصاد دولت احمدی نژاد علاوه بر مخالفت با کاربرد واژه «اختلاس»، رقم این اختلاس را نیز ۱۳۰۰ میلیارد تومان کاهش داده است. به‌گفته او: «رقم تخلف بانکی اخیر، ۱۷۰۰ میلیارد تومان بود که ۲۵ درصد این رقم از متخلف پس گرفته و به بانک‌ها عودت داده شده است، و از رسانه‌های همگانی خواسته است که اصطلاح اختلاس را به کار نبرند، زیرا این یک «عنوان مجرمانه» است.

"به عقیده بسیاری از منتقدان، در نبود مطبوعات آزاد، نقش رسانه‌ها در نظارت بر کار مجریان و مسئولان امور در ایران تقریباً محو شده است. بطوریکه صالح نیکبخت، وکیل دادگستری در گفت‌وگویی با روزنامه شرق نبود احزاب و مطبوعات آزاد را یکی از مهمترین دلایل فساد و اختلاس می‌داند و می‌گوید: «تنها وقتی که بوی گند فساد مالی همه جا را فراگرفت، تازه برخی افراد یادشان می‌افتد که بگویند از قبل در جریان بودند. کماینکه در همین مساله اختلاس یا تخلف سه‌هزار میلیارد تومانی در بانک صادرات آقای جهرمی، مدیرعامل سابق بانک گفت این تخلف از سال ۸۶ وجود داشته اما تازه الان و بعد از چهار سال که بوی آن همه جا را گرفت، موضوع به گوش مردم می‌رسد. او اختلاس و برداشت از حساب دولت چه کم چه زیاد را نشانه فساد در دستگاه مالی کشور دانست که سلب اعتماد عمومی را به‌مراه دارد و آزادی مطبوعات را به عاملی تصحیح‌کننده تشبیه کرد که راه اختلاس و دزدی را "سنگ‌لاخ" میکند. پرونده اختلاس مالی اخیر به قدری بزرگ است که پرونده‌های ناپدید شدن میلیاردها دلار درآمد نفتی از حساب ذخیره ارزی، پرونده بیمه ایران که یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های فساد اقتصادی بود و ده‌ها پرونده مشابه را از اذهان محو میکند.

با این اوصاف خامنه‌ای، تردیدی ندارد که حکومت اسلامی بیشترین اعتماد را در مردم آفریده است. و می‌گوید: «اعتمادی که اکنون مردم ایران به نظام اسلامی دارند، در کمتر نظامی در دنیا وجود دارد.



بدانیم، بیاندیشیم، بپایانیم!

پس از انتخابات سال ۸۸ عدم شرکت در انتخابات برای مردم ایران اصل شده است!

جبهه مشارکت یکی از احزاب اصلاح طلب همزمان با اعلام تاریخ برگزاری انتخابات پارلمان آینده در ایران در این خصوص طی بیانیه ای اعلام کرده است: فضای سیاسی به وجود آمده در ایران پس از انتخابات سال ۸۸ باعث شده است که عدم شرکت در انتخابات برای مردم ایران اصل باشد.

جبهه مشارکت در بیانیه خود که در سایت های خبری اصلاح طلبان منتشر شده است با اشاره به انتخابات ریاست جمهوری گذشته تاکید کرده است " کودتای سال ۸۸، ضربه بزرگی بر اعتماد مردم به نهاد انتخابات بود به صورتی که امروز متأسفانه برای اکثریت مردم عدم شرکت در انتخابات اصل شده است مگر آنکه خلاف آن یعنی سلامت انتخابات تضمین شود. خامنه‌ای در خطبه‌های نماز نهم شهریور ماه در عید فطر با اشاره به انتخابات آتی مجلس شورای اسلامی که در اسفند ماه برگزار می‌شود گفت که نباید اجازه داد این انتخابات به چالشی برای امنیت ملی تبدیل شود. وی با اشاره به اینکه انتخابات در جمهوری اسلامی ایران همیشه یک حادثه چالش برانگیز است گفت: «امسال انتخابات در پیش است؛ انتخابات یک پشتوانه برای امنیت ملی است. نباید اجازه داد به چالشی برای امنیت ملی تبدیل شود.» رهبر جمهوری اسلامی در ادامه با بیان اینکه درباره انتخابات حرفهایی هست که بعداً مطرح خواهد شد گفت: «منبرداران سیاسی مراقب و مواظب باشند و از انتخابات مانند نعمت الهی پاسداری کنند.» انتخابات مجلس نهم در حالی قرار است برگزار شود که هنوز پرونده انتخابات جنجالی ریاست جمهوری بسته نشده و علاوه بر میرحسین موسوی و مهدی کروبی که در حصر خانگی بسر می‌برند، هزاران نفر از معترضان به گزینش احمدی‌نژاد در زندان‌های جمهوری اسلامی هستند.

خامنه ای با توجه به در پیش روی بودن انتخابات پارلمانی در اسفند ماه ۱۳۹۰ پس از پشت سر گذاشتن حوادث انتخاباتی سال ۸۸ و با توجه به حس عدم اعتماد نسبت به حکومت اسلامی ایران در بین اقشار مردم، اراده و

عزم مردم را در جمهوری اسلامی نقش اصلی دانستند و از حضور آنها در انتخابات آتی سخن گفتند. وی در سفرشان به کرمانشاه در بیستم مهرماه ۱۳۹۰ گفت: ایران را با برخی کشورهای دیگر نباید اشتباه گرفت، زیرا در ایران اسلامی اراده و عزم مردم نقش اصلی را دارد و مردم در انقلاب، صاحب سهم هستند. خامنه ای با اشاره به انتخابات پارلمانی که در اسفند ماه برگزار خواهد شد، انتخابات را مظهر حضور مردم و دمیده شدن روح تازه در کالبد کشور دانستند و افزودند: دشمن همواره تلاش کرده است که انتخابات برگزار نشود و یا انتخابات کم‌رنگ باشد، در انتخابات دو موضوع مهم باید مورد توجه قرار گیرد:

- ۱- حضور وسیع و گسترده مردم
- ۲- قانونگرایی و احترام به رای مردم

او با یادآوری حوادث سال ۸۸ افزود: «گناه اصلی آتش افروزان فتنه ۸۸، تمکین نکردن به قانون و رای مردم بود.» آقای خامنه ای تاکید کرد: «اگر بعد از انتخابات هم اعتراضی وجود داشته باشد، مسیر قانونی آن مشخص است.» وی در بخشی از سخنان خود تاکید کرد: «در طول ۳۲ سال گذشته همواره و بدون وقفه همه مسئولان نظام اسلامی اعم از رهبری، خبرگان رهبری، رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نمایندگان شوراهای اسلامی با رای و نظر مردم برگزیده شده اند.»

محمد خاتمی و عبدالله نوری در دیدار اخیر خود طی بررسی وضعیت انتخابات مجلس آتی خواستار آزادی موسوی و کروبی، برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه، آزادی زندانیان سیاسی و رسانه های مستقل شده و تاکید کردند عدم برگزاری انتخابات آزاد باعث ایجاد فساد گسترده شده است. جبهه مشارکت نیز نسبت به عملکرد حاکمیت گفته است: " هنوز اراده کافی و لازم در حاکمیت دیده نمی شود که خواستار تلطیف فضای سیاسی و تضمین حداقل های یک انتخابات آزاد و عادلانه باشد و عملکرد برگزارکنندگان انتخابات را " کودتائی " توصیف می کنند. " نشست اصولگرایان نیز از طرفی درارتباط با انتخابات آتی مجلس شورای اسلامی بیانگر

دغدغه‌های آنها نسبت به احتمال شکست در انتخابات مجلس میباشد به‌گونه‌ای که منوچهر متکی بعد از برکناری از وزارت امور خارجه و فعال شدن در امور انتخاباتی نسبت به شکست هم‌طیفی‌های خود هشدار داده است و نبی حبیبی دبیرکل مؤتلفه اسلامی که نمی‌تواند از چالش درون‌گروهی خود چشم‌پوشد با اظهارنگرانی از روند رو به رشد این اختلاف‌ها و امکان حضور مجدد اصلاح طلبان در انتخابات در پیش روی گفت:

رقابت میان اصولگرایان پهن کردن فرش قرمز جلوی دوم خردادی‌ها است. او گفت: از دو سال پیش برخی افراد در تحلیلی غلط می‌گویند جریان دوم خردادی‌ها تمام شده‌اند و ما باید به وزن کشتی بپردازیم، ما این تحلیل را قبول نداریم. سایت سفیر نزدیک به محمدباقر قالیباف نیز در خبری با عنوان «دست و پا زدن جریان خاص» نوشت: شنیده‌ها حاکی است در مناطق به‌خصوصی از شهر تهران افرادی با حضور در مساجد، به بهانه شرکت در نماز جماعت ضمن گفت‌وگو تلاش می‌کنند شورای وحدت اصولگرایان را متهم به ایجاد فضای تک‌قطبی کرده و از این طریق کارشکنی و همراهی نکردن برخی گروه‌های نزدیک به دولت با این شورا را توجیه کنند. این افراد به دنبال آنند تا با همراه کردن آنها بتوانند سرپوشی بر اظهارنظرهای برخی از سران خود که در چند سال اخیر باعث آزرده‌خاطر شدن نیروهای انقلابی شده‌اند بگذارند.

با نگاهی به بیانیه جبهه مشارکت از احزاب اصلاح طلب و نشست های گروه‌های مختلف اصلاح طلبان و اصولگرایان در ایران در خصوص وضعیت پیش روی انتخابات پارلمانی و خواسته های آنان میتوان برآحتی وضعیت در پیش روی انتخابات آتی و نقش مردم با توجه به حوادث پس از انتخابات سال ۸۸ را مشاهده کرد و دمیده شدن روح تازه در کالبد کشور را طبق گفته های خامنه ای به عینه دید. سوابق قانونگرایی و احترام به رای مردم را طبق اظهارات آیت الله خامنه ای میتوان در برخورد با مردم در وضعیت امنیتی و معیشتی آنان بوسیله نیروهای حکومتی، امنیتی و ارادل و اوباش بیت رهبری در خیابانها و زندانها و شکنجه گاهها و کهریزک ها دید.

بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!

نگاهی به وضعیت سکونت پناهجویان در آلمان در هایم (کمپ) های پناهندگی

یکی از مشکلات جدی بسیاری از پناهجویان در آلمان وضعیت سکونت آنها در هایم یا کمپ های پناهندگی می باشد. اسکان دهی پناهجویان مطابق فصل سوم قانون آئین دادرسی مراحل پناهندگی به عهده هر ایالت سپرده شده است، که هر ایالت نیز مطابق قوانین داخلی خود چگونگی اجرای آنرا به عهده کمون یا شهرداری ها گذاشته است. سهمیه بندی و تقسیم پناهجویان در بین ایالت ها در سراسر کشور آلمان نیز بر اساس میزان جمعیت هر ایالت و مطابق یک سیستم کامپیوتری به نام "ایزی" (EASY) انجام می شود.

همچنین مطابق ماده ۲ قانون تامین اجتماعی ویژه پناهجویان، پناهجو موظف است در مرحله رسیدگی به درخواست پناهندگی اش در هایم های پناهندگی زندگی کند. از آنجا که مشخص نیست رسیدگی به درخواست پناهندگی چقدر طول می کشد، مدت زمانی که پناهجو زیر پوشش این قانون می ماند ۴۸ ماه اعلام شده است. اما هر زمان که یک پناهجو قبولی پناهندگی خود را دریافت کند از زیر قانون ویژه پناهجویان خارج شده و اجازه دارد که شهر محل زندگی خود را انتخاب کرده و طبق قانون جدیدی که شامل او می شود، اجازه خواهد داشت که برای خود یا خانواده اش خانه شخصی جستجو کند.

اما اگر جواب درخواست پناهندگی به درازا بکشد، پناهجو موظف است تا پایان ۴۸ ماه تعیین شده، در هایم بماند. یک پناهجو در طول مدت زندگی در هایم پناهندگی تنها تحت شرایط خاصی، از جمله به دلایل پزشکی، می تواند درخواست خانه شخصی دهد. و البته اداره "سوسیال" که در این مورد مسئولیت دارد، با این درخواست ها بسیار سختگیرانه برخورد کرده و به راحتی

برای پناهجویان اجازه خانه شخصی صادر نمی کند.

وضعیت هایم های پناهندگی در همه جا یکسان نیست. برخی از شهر ها هایم های پناهندگی خوب و تمیز و مناسبی دارند. برخی از شهرها و کمون ها نیز اساسا هایم پناهندگی را برچیده و از همان اول به پناهجویان خانه شخصی میدهند. برخی دیگر از شهرداری ها نیز ترکیبی از هایم پناهندگی و خانه شخصی را بکار گرفته اند. اما برخی از شهرداری ها، بویژه در مناطق روستائی و یا شهرهائی که احزاب محافظه کار در آن قوی می باشند، از سیاستی به غایت غیر انسانی پیروی کرده و بدترین شرایط زیستی ممکن را برای پناهجویان ایجاد می کنند؛ هایم های کثیف، غیر بهداشتی، فاقد آب گرم و یا بطور مقطعی دارای آب گرم، فاقد شوفاژ یا بطور مقطعی دارای سیستم گرمائی، پرت و دور افتاده، به دور از ایستگاه اتوبوس و قطار، پر از جمعیت با ملیت های مختلفی که زبان مشترکی برای فهمیدن همدیگر ندارند. پناهجویانی که هر کدام به دلایل مختلف از کشور خود فرار کرده و به دلیل دوری از خانواده و کشور و فامیل زیر فشار روحی بوده و به دلیل نداشتن کار، کمبود پول، محدودیت اجازه تردد و مسافرت و ... چشم انداز مثبتی نسبت به وضعیت اقامتی خود نمی بینند. آنها به دلیل عدم آشنائی با زبان و قوانین آلمان و نیز به دلیل عدم آشنائی با حق و حقوق خود و به دلیل عدم دسترسی به مراکز مشاوره، سردرگم هستند و نمی دانند چکار باید کنند.

در چنین شرایطی بازار شایعه داغ است و هر کسی چیزی می گوید. دانسته های افراد اغلب هیچ پایه معتبر و مطمئنی ندارد. در چنین اوضاعی پناهجویان ناچارند برای مدتی طولانی در محیطی تنگ، و اغلب با چندین نفر دیگر در یک اتاق، زندگی را بگذارند. این وضعیت به سرعت موجب شکل گیری مشکلاتی بین ساکنین هایم با یکدیگر و بین افراد هم اتاقی و حتی بین افراد یک خانواده با

همدیگر می شود. به همین دلیل ناراحتی های روحی همچون، عصبانیت، افسردگی، زود از کوره بیرون رفتن و پائین آمدن میزان صبر و تحمل در بین ساکنین چنین هایم هائی عمومیت دارد. گذشت زمان و نداشتن چشم انداز نسبت به تغییر شرایط سکونت و بی خبری نسبت به آینده ی اقامتی این ناراحتی ها را تشدید کرده و در عده ای از پناهجویان موجب افسردگی شده و یا در عده ای دیگر موجب بروز درد و ناراحتی های های روان- تنی می گردد. دردهائی که با وجود آزمایشات متعدد و تعویض دکتر، هیچ منشاء جسمی برای آن یافت نمی شود و انرژی بسیار زیادی از فرد مبتلا می گیرد. ناراحتی های جسمی و روحی ای که حتی پس از دریافت قبولی پناهندگی یا اقامت، برای سال های سال، شرایط روحی، شخصیت فرد و رفتار او را کماکان تحت تاثیر قرار می دهد. در این میان کودکان و نوجوانان بسیار حساس تر بوده و میزان آسیب پذیری آنها بیشتر و عمیق تر است.

این وضعیت غیر انسانی در برخی از هایم های پناهندگی در آلمان امری اتفاقی نبوده یا حاصل اهمال این یا آن کارمند نمی باشد. این وضعیت در اساس حاصل یک خواست سیاسی می باشد که با برنامه مشخص، از طریق ایجاد شرایط سخت زندگی برای پناهجویان، این هدف را دنبال می کند که جلوی ورود بیشتر پناهجو به آلمان را مسدود کند.

وضعیت زندگی و شرایط محل سکونت پناهجویان در آلمان سالهاست که موضوع اعتراض مدافعین حقوق بشر و سازمان های مدافع پناهجویان می باشد. این مبارزه در سطوح محلی، در بعضی از شهرها و شهرداری ها بطور نسبی به نتایج کم و بیش مناسبی رسیده، اما لازمه تغییر اساسی آن، تغییر قانون تبعیض آمیز ویژه پناهجویان می باشد.

در حال حاضر تغییر این قانون در دستور کار سازمانهای مدافع پناهدگان است که در پارلمان آلمان از سوی نمایندگان حزب سبزها و حزب چپ حمایت می شود.

حنیف حیدر نژاد



بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!

شکست توطئه تروریستی جمهوری اسلامی جهت ترور سفیر عربستان در آمریکا

بار دیگر جمهوری اسلامی ایران با مداخله نا بجا در امور سایر دولت ها و انجام امور تروریستی در خاک آمریکا نقش مخرب و جنایتکارانه خود را به جهانیان به اثبات رساند که در این خصوص ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی را به تلاش برای برنامه ریزی و اجرای یک رشته بمبگذاری و عملیات تروریستی در درون خاک این کشور متهم کرده است.

اریک هولدر وزیر دادگستری آمریکا ایران را به دست داشتن در طراحی توطئه‌ای برای کشتن سفیر عربستان متهم کرده‌اند. در این ارتباط دو ایرانی به نام‌های غلام شکوری و منصور ارباب سیار با طراحی سپاه قدس و همکاری با اعضای کارتل قاچاق مواد مخدر در مکزیک قصد انجام ترور یادشده را داشته‌اند. به گفته‌ی اریک هولدر، ایران به این کارتل مواد مخدر برای انجام این منظور یک و نیم میلیون دلار پرداخت کرده است.

هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا نیز گفته است که تشدید استفاده ایران از خشونت نشان‌دهنده آن است که این کشور قصد تغییر رویه خود را ندارد و تحریم‌ها و فشارها علیه ایران شدت خواهد گرفت. وی اظهار داشته است که: ما معتقدیم که این توطئه از سوی تهران طراحی و هدایت شده است و ما می‌دانیم که سطح معینی از سپاه قدس در جریان امر بوده است.

واکنش رسمی جمهوری اسلامی

مهمانپرست سخنگوی وزارت امور خارجه ایران اعلام کرد، این وزارتخانه، انتشار این خبر را "عاری از هرگونه صحت می‌داند و قویا تکذیب می‌کند و آن را سناریوسازی بیش نمی‌داند". اینگونه سناریوسازی‌ها با هدف ایجاد تفرقه از سوی دشمنان اسلام و منطقه تعقیب می‌شود هدفی جز ایجاد اختلاف و کمک به خروج رژیم صهیونیستی از انزوای موجود ندارند و بدانند که روابط جمهوری اسلامی و عربستان سعودی مبتنی بر احترام متقابل بوده و طرح چنین ادعای کذبی راه به

جایی نبرده و تأثیری در اذهان عمومی بر جای نخواهد گذاشت" این واکنش رسمی جمهوری اسلامی در حالی است که شبکه خبری سی‌ان‌ان در خبری فوری گزارش داد دولت آمریکا قصد دارد موضوع این پرونده را از طریق شورای امنیت سازمان ملل متحد دنبال کند.

احمدی‌نژاد و ارسال سی‌دی برای اوپاما

خبرگزاری رویترز روز دوشنبه از قول بان کی‌مون گزارش داد که مدارک مربوط به ادعای دست داشتن ایران در طرح ترور سفیر عربستان به شورای امنیت سازمان ملل ارسال شده است. سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا می‌گوید واشنگتن با ارسال نمایندگانی به برخی از کشورهای مهم مستندات خود درباره نقش جمهوری اسلامی در مورد این "توطئه" را به آنها ارائه کرده است. محمود احمدی‌نژاد در گفتگو با الجزیره گفت: «دولت آمریکا اگر علیه ایران به شورای امنیت فشار بیاورد دیگر هیچ آبرویی برای شورای امنیت سازمان ملل باقی نخواهد ماند.» احمدی‌نژاد با اشاره به عبدالملک ریگی، رهبر گروه جندالله، که چندی پیش پس از پخش تلویزیونی اعترافاتش در مورد ارتباط با آمریکا اعدام شد، گفت «اگر جریانات تروریستی دنیا ریشه‌یابی شود، مشخص خواهد شد که همه آنها به بدنه دولت آمریکا متصل بوده و هستند».

احمدی‌نژاد ضمن اشاره به این که «سی‌دی اعترافات ریگی برای آقای اوپاما و دبیرکل سازمان ملل ارسال شد» ابراز تاسف می‌کند که این اقدام او نیز مانند نامه‌هایش به اوپاما بدون پاسخ مانده و «هیچ عکس‌العملی نسبت به آن مشاهده نشد». در حالی که وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی گفته بود کشورش حاضر است ادعای آمریکا در مورد طرح ترور سفیر عربستان را بررسی کند، محمود احمدی‌نژاد می‌گوید نیازی به تحقیق نیست. شواهد نشان می‌دهد ایران بررسی را آغاز کرده است. علی اکبر صالحی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، صبح دیروز (دوشنبه، ۲۵ مهر / ۱۷ اکتبر) کشورش را پایبند به تعهدات بین‌المللی خواند و گفت «ما در عرصه بین‌الملل منافقانه عمل نمی‌کنیم و

اینگونه نیست که تروریسم را پرورش داده و سپس پرچم مبارزه با آن را در دست بگیریم». سخنان صالحی در واکنش به اتهام آمریکا مبنی بر دست داشتن ایران در "توطئه ترور سفیر عربستان سعودی در واشنگتن" ابراز شده است. او می‌گوید ایران حاضر است این موضوع را بررسی کند. باراک اوپاما، رئیس‌جمهور آمریکا در یک نشست مطبوعاتی اظهار داشت: دولتش بدون داشتن شواهد در مورد توطئه، اتهامی علیه دست‌اندرکاران آن طرح نمی‌کنند. ما می‌دانیم که یک شهروند ایرانی-آمریکایی ارتباط مستقیم با مقام‌هایی در دولت ایران داشته و توسط آنها هدایت می‌شده است. رئیس‌جمهوری آمریکا اضافه کرد که دولتش مدارک را با جامعه بین‌المللی و متحدان آمریکا به اشتراک گذاشته است و بررسی دقیق این مستندات، شکی برای کسی باقی نخواهد گذاشت.

باراک اوپاما همچنین گفت که این بخشی از روش‌دولت ایران است و دیپلمات‌ها باید از تهدید و خشونت مصون باشند و اینکه ایران درگیر چنین کاری است، نشان می‌دهد که چقدر از معیارهای بین‌المللی دور هستند. اولین گام محاکمه متهمان و در مرحله دوم، اعمال سخت‌ترین تحریم‌ها علیه ایران است که هزینه چنین رفتارهایی را بپردازد. بسیاری از کارشناسان از این تعجب دارند که این برنامه بسیار غیرحرفه‌ای طراحی شده است و دو پرسش اساسی بیش از همه سبب گمانه‌زنی می‌شود. نخست اینکه چه کسی در جمهوری اسلامی ایران از این ماجرا مطلع بوده است؟ دوم اینکه هدف آنان از ترور سفیر عربستان سعودی در آمریکا چه بوده است؟

ویکتوریا نولند، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در یک نشست خبری توطئه ترور سفیر عربستان سعودی را واقعی خواند. و گفت: «ما درباره این موضوع با مقامات ایران تماس مستقیم داشته‌ایم.» به گفته مقامات آمریکایی این تماس در روز چهارشنبه (۲۰ مهر) و به درخواست آمریکا صورت گرفته است. سوزان رایس، سفیر ایالت متحده در سازمان ملل با محمد خزاعی سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل درباره‌ی اتهامات وارده گفت‌وگو داشته است.



بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!

نتایج انتخابات پارلمانی و فدرال سوییس

انتخابات پارلمانی سوییس در روز یکشنبه ۲۳ اکتبر را باید از یکسو شکست نسبی حزب دست راستی مردم سوییس یا اتحادیه دمکراتیک میانه دانست و از سوی دیگر موفقیت احزاب جدید این کشور و در راس آنها سبزه‌های لیبرال و حزب بورژوا دمکراتیک.



با این حال حزب مردم سوییس با کسب حدود ۲۵٫۹ درصد آراء در صدر قرار گرفت و حزب سوسیالیست هم توانست حدود ۱۸٫۱ درصد آراء را کسب کند.

سبزه‌های لیبرال با کسب نه کرسی بیشتر نسبت به دوره قبل، تعداد کرسیهای پارلمانی خود را به ۱۲ رساندند. البته در مقایسه با دوره قبلی انتخابات و نتایج نظر سنجی های پیشین و درحالیکه حزب مردم سوییس هفت کرسی خود را در پارلمان این کشور از دست داد، بسیاری از کارشناسان این دوره را یک پسرفت برای این حزب دست راستی عنوان کردند، حزبی که با شعار مخالفت با پیوستن سوییس به اتحادیه اروپا و مهاجرتی، می پنداشت می تواند نظر حداقل سی درصد شهروندان سوییسی را در این دوره بخود جلب کند.

کریستوف بلوخر رهبر پیشین حزب مردم سوییس در واکنش به شکست نسبی حزبش گفت: «ما همیشه نمی توانیم ببریم. این واضح است. هدف ما ۳۰ درصد بود که به آن نرسیدیم. خوب ما همیشه اهداف سطح بالایی داریم.» اما نظر کریستین لورا

رهبر حزب سوسیالیست سوییس: «هدف ما بردن بود همین که توانستیم یک کرسی بیشتر بدست بیاوریم، خوب است.»

فول ویو پلی رهبر حزب دمکراتیک سوییس که با خوش شانسی بعنوان سناتور انتخاب شد، در مورد این انتخابات گفت: «متاسفانه ما تعدادی از کرسیهای خود را از دست دادیم و همینطور از نظر درصدی نتایج آنطور که پیش بینی می شد از کار در نیامد... ولی خوب، کماکان سومین حزب بزرگ کشور هستیم.» این انتخابات برای تعیین ۲۰۰ نماینده پارلمان و ۴۵ سناتور از مجموع ۴۶ سناتور در ۲۶ کانتون برگزار شد و بیش از ۵ میلیون شهروند سوییسی برای شرکت در آن واجد شرایط بودند.

وضعیت نگران کننده پناهجویان ایرانی در پی زلزله ترکیه



پناهجویان ایرانی در شهر زلزله زده «وان» زندانی هستند. دفتر مرکزی پلیس پناهجویان به همراه ساختمان های زیاد دیگری خراب شدند. طبق اخبار رسمی و غیررسمی تا کنون هزار نفر کشته شده اند که همه از کردهای ترکیه بودند.

بعد از زلزله هم تا کنون چندین بار دیگر شهر پس لرزه های سنگینی را پشت سر گذاشته که آخرینش باز خرابی های زیادی به همراه داشته. طبق خبرهای رسیده اهالی شهر «وان» در حال ترک این شهر هستند و شایعه ای در شهر قوت گرفته که همه ای اینها پیش لرزه های زلزله ای سهمگین تر است. پناهجویان ایرانی شهر «وان» اما در به در هستند. دفتر مرکزی سازمان ملل در شهر «وان» تعطیل است. طبق گفته ی

پناهجویان وقتی برای اعلام وضعیت شان به آنجا سر می زنند، یکی از کارمندان می گوید: «نگران نباشید درست می شود!» پناهجویان هنگامی که به همراه اهالی شهر «وان» برای خرید بلیط به ترمینال رجوع کرده اند طبق دستور پلیس شهر از فروش بلیط به آنها ممانعت به عمل آمده. یا باید کمپلیک - شناسنامه - ی ترک برای خرید بلیط داشته باشند و یا پاسپورت. پلیس سر گذرگاه شهر ایستاده و اوراق شناسایی ها را چک می کند تا مبادا پناهجویی شهر را ترک کند.

وقتی پناهجویان به پلیس شهر مراجعه می کنند تا از بی سرپناهی و گرسنگی و سرما بگویند، پلیس آنها را به کمپ رجوع می دهد. طبق گفته ی پناهجویان برایشان در منطقه ای به نام «کامپوس»، منطقه ای بیرون از شهر چادرهایی برپا شده است و نامش را کمپ گذاشته اند و پناهجویان بی سرپناه را به آنجا راهنمایی می کنند. نه خبری از مواد غذایی و آب آشامیدنی در این کمپ هست و نه خبری از امنیت. تنها چادرهایی ست که علم شده اند و به همراه یک پتو و به صورت جمعی در اختیار پناهجویان ایرانی قرار می گیرد!

طبق گفته ی پناهجویان، در غیر این صورت تنها یک دلیل می ماند که پلیس شهر وان مرز شهر را رها کند و اجازه ی خروج به پناهجویان بدهد؛ آن هم بدتر شدن اوضاع است. اگر طبق شایعه ای که در شهر پیچیده، زلزله ی بدتری در راه باشد و شهر را با خاک یکسان کند، ممکن است پلیس شهر «وان»، سرسختی و بغض دیرینه اش به پناهجویان ایرانی را فراموش کند و اجازه دهد تا پناهجویان ایرانی جان شان را نجات دهند!

تا کنون دولت ترکیه و دفتر سازمان ملل در این کشور هیچگونه اطلاعی در رابطه با وضعیت سلامت ساکنان خارجی و پناهجویان خارجی ساکن در این منطقه منتشر نکرده اند.

بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!

مشکلات پناهجویان ایرانی در ترکیه و آمادگی قبول آنها در آلمان

مشکلات روز افزون مردم در ایران، تهدیدهای مکرر دولت باعث شده، فعالین سیاسی جوانان و مردم کوچه و بازار بسیاری از دانشجویان، روزنامه نگاران و افرادی که حاضر نیستند رژیم را تحمل کنند، از ایران فرار کنند و به کشورهای همسایه بیشتر به ترکیه بروند. در حال حاضر طبق گزارش سازمان حقوق بشر در ترکیه ایرانیان پناهجو در موقعیت بسیار بدی در این کشور بسر میبرند و روزانه شاهد بی رحمی ها و تجاوزهای ت ترکیه هستند. سازمان حقوق بشر ترکیه اعلام کرده است، برای رفع مشکل ایرانیان پناهجو باید کشورهای اروپایی تصمیم بگیرند تا این عده بتوانند از طریق سازمان مزبور به کشورهای دیگر منتقل شوند.

در دو هفته گذشته تعداد زیادی از ایرانیان از طریق تلفن و پست الکترونیکی از ما سوال کرده اند، تکلیف این هم وطنان در ترکیه چه میشود. ما در شماره گذشته در گزارشی در همین صفحه خبر همکاری معاون نخست وزیر ایالت راین لند فاس (پایتخت شهر ماین) و حزب سبزها را برای کمک به ایرانیان منتشر کردیم. هم وطنان خواهان اطلاعات بیشتری در این زمینه شده اند و ما بعد از تماس با مقامات وزارت امور داخله ایالت مزبور اطلاعات زیر را در اختیار هم وطنان میگذاریم و خواهش میکنیم به شایعات توجه نکنند و فکر نکنند، از فردا کلیه هم وطنان پناهجو که هنوز تقاضای پناهندگی اشان قبول نشده، جواب مثبت خواهند گرفت.

نقش دولت و ایالات در قبولی تقاضای پناهندگی

خوانندگان از ما خواهش کردند پیرامون این شایعه تحقیق بیشتری کرده و ماحصل بررسی خود را در نيمروز منتشر کنیم.

تاکنون هیچ وزارت خانه و یا اداره ای دستور قبولی تقاضای پناهندگی سیاسی ایرانیان را بدون مصاحبه اداره کل مهاجرت و پناهندگی که آن را بوندس آمت مینامیم، نداده اند. رسیدگی به پرونده پناهجویان، آن تعدادی که هنوز جواب نگرفته اند ادامه دارد و روال عادی خود را طی میکند. اما بعلت مشکلات فراوان ایرانیان اداره بوندس آمت توجه بیشتری به پناهجویان ایرانی دارد و میزان قبولی آنها بیشتر شده است.

مثلا طبق اطاعتی که ما در دست داریم، یک جوان ۱۸ ساله فوتبالیست ایرانی هنگام ورود به آلمان در فرودگاه فرانکفورت مصاحبه شد و بعد از مدت کوتاهی جواب قبولی آنهم ماده (۱۶ بند آ) گرفت. این اقدام بیسابقه ثابت میکند، ادارات

امور خارجیان و بوندس آمت به ایرانیان توجه بیشتری دارد. در گذشته هیچ یک از ایرانیانی که در فرودگاههای آلمان هنگام ورود مصاحبه میشدند، جواب قبولی نمی گرفتند.

از سویی دیگر چنانچه قبلا نیز به اطلاع رسانیدیم، ایالات آلمان بدون صدور مجوز و یا دستوری از اخراج ایرانیان خودداری میکنند، البته چنانچه فرد پناهجو مرتکب جرم نشده باشد و یا بصورت غیر قانونی به ایران سفر نکرده باشد. (ایرانیانی که با در دست داشتن گذرنامه پناهندگی از راههای مختلف به ایران میروند).

اما تلفن های زیاد و حتی ناراحتی هایی که بدلیل قبولی بدون چون و چرای ایرانیان بدون مصاحبه برای نویسنده این سطور فراهم شد، دلیل دیگری برای نگارش این مقاله است.

آیا پناهجویان ایرانی بدون مصاحبه قبول میشوند؟

هم وطنان میگویند، هرکس که وارد آلمان شود و تقاضای پناهندگی کند، بدون مصاحبه قبول خواهد شد. این طرز فکر که ناشی از بی خبری هم وطنان و شایعه پراکنی گروهی از آنها است، درست نیست و اکنون برای روشن شدن خوانندگان، نتیجه تحقیقات خود و اقدامات دولت آلمان را برای پناهجویان ایرانی که هنوز پای آنها به آلمان نرسیده است، منتشر میکنیم.

اگر دولت آلمان بخواهد پناهجویی ولو نخست وزیر یک کشور را بدون مصاحبه قبول کند، قانون اجازه نخواهد داد. برای رسیدن به این هدف هیات دولت نمی تواند راساً تصمیم بگیرد، بلکه پارلمان باید آن را تصویب کند.

حال تصور کنید، پارلمان آلمان باید برای قبولی و جواب مثبت دادن به چند صد ایرانی و شاید هم دو تا سه هزار ایرانی، تشکیل جلسه بدهد، از فراکسیون ها بخواهد مسئله را بررسی کنند، با نخست وزیران ایالات برای پذیرش بدون مصاحبه ایرانیان مذاکره کند، احزاب مختلف را از محافظه کار گرفته تا چپ گرا راضی کند و در نهایت نتیجه بررسی های خود را در رای گیری پارلمان مشخص کند. بنابراین با توجه به مشکلاتی که از آنها یاد شد، اجرای چنین عملی غیر ممکن است.

برای کمک به ایرانیان خانم مرکل از وزیر کشور آقای د مزیر خواست، بعد از بررسی مشکل ایرانیان و فرار جوانان و خانواده ها به ترکیه، راه حلی برای سرعت در کار این گروه بلا تکلیف پیدا کند. همجوار با این مذاکرات، یوشکا فیشر وزیر امور خارجه سابق در کابینه شرودر به سفارت

آلمان در آنکارا رفت تا بتواند به ایرانیان کمک کند. چند روزی است که دولت آلمان و فرانسه با سازمان (UNHCR) حامی مهاجرین و پناهجویان که پیمان آن در سال ۱۹۵۱ در ژنو به تصویب اکثر کشورها رسید، تماس گرفتند و از این سازمان در آنکارا خواستند، به تقاضای متقاضیان ایرانی با سرعت بیشتری رسیدگی کند. این سازمان مشغول بررسی مشکلات فراریان ایرانی در ترکیه است و به ترتیبی که در زیر میآید، عمل میکند.

شرایط تقاضای پناهندگی در ترکیه

الف: فرد متقاضی باید به سازمان مزبور در آنکارا مراجعه کرده تقاضای پناهندگی بدهد. این شخص باید دارای شرایط زیر باشد.

۱- در ایران بر علیه جمهوری اسلامی فعالیت سیاسی داشته باشد.

۲- فعالیت سیاسی وی باید بگونه ای مطرح شده باشد و یا آنها را از طریق ارائه دلیل و مدرک ثابت کند.

۳- یک سازمان و یا فرد سیاسی که در خارج و یا در داخل ایران فعالیت بر علیه رژیم دارد، وی را تأیید کند.

در برنامه تنظیمی از سوی دو دولت فرانسه و آلمان به روزنامه نگاران، فعالین معروف سیاسی و دیگر کسانی که نام آنها در لیست فعالان حقوق بشر ایران و یا اروپا آمده، الویت داده شده است.

ب: فردی که به سازمان مزبور در آنکارا میروند باید دلایل پناهندگی خود را نوشته و به این اداره آن را ارائه دهد. امکان دارد در اداره مزبور مصاحبه شود.

سازمان (UNHCR) بعد از تکمیل پرونده فرد متقاضی از وی نام و آدرس یکی از اقوام و یا افرادی را که متقاضی در آلمان می شناسد، می خواهد. وزارت کشور آلمان با کوشش زیاد موفق شده، سه ایالت از ۱۶ ایالت این کشور را راضی کند پناهجویان ایرانی را بطریق سهمیه ای قبول کنند.

در این مرحله باید به یک نکته اشاره شود و آن هم روش جدید هرتفال کمیسیون برای رسیدگی به پرونده ایرانیانی است که به این کمیسیون ارجاع میشوند. کمیسیون مزبور تشکیل شده از نمایندگان پارلمانهای ایالتی، کارشناسان امور حقوقی پناهجویان، وکلای دادگستری متخصص امور پناهجویان و نمایندگان کلیسا و مردم عادی. در گذشته این کمیسیون به هیچ پناهنده حتی ایرانی جواب مثبت نمیداد.



بدانیم، بیانیشیم، بپاخیزیم!

افزایش شمار پناجویان در آلمان و وضعیت متقاضیان ایرانی

شمار متقاضیان پناهندگی در آلمان در ۸ ماهه نخست سال جاری میلادی آشکارا فزونی یافته است. پناجویان ایرانی جزو بزرگترین گروه پناجویان در آلمان هستند. ۵۰ درصد از متقاضیان ایرانی توانسته‌اند اجازه ماندن در آلمان را بگیرند. به گزارش وزارت کشور آلمان، از ژانویه تا اوت سال جاری میلادی، ۲۸ هزار و ۲۷۹ درخواست جدید پناهندگی به اداره رسیدگی به امور مهاجران و پناجویان داده شده است. این تعداد ۲۳ / ۲ درصد بیشتر از همین دوره زمانی در سال گذشته بوده است.

اداره رسیدگی به امور مهاجران و پناجویان در ماه اوت به درخواست پناهندگی ۳۳۶۴ نفر رسیدگی کرده و از آن میان ۶۴۲ درخواست را افزون بر این پذیرفته است چون تشخیص داده که خطر اعدام و شکنجه این افراد را در وطن‌شان تهدید می‌کند. این اداره در مورد ۲۲۸ نفر حکم ممنوعیت بازگرداندن به میهن‌شان را صادر کرده، همچنین این اداره درخواست پناهندگی ۱۶۹۴ نفر از پناجویان را رد کرده است. در مجموع در فاصله زمانی ژانویه تا اوت ۲۰۱۱، تعداد ۴۸۴۰ نفر در آلمان حق پناهندگی گرفته‌اند. در ۱۸۰۰ مورد حکم ممنوعیت بازگرداندن به میهن خود صادر شده است. اما قضات آلمانی ۱۶ هزار و ۳۵۶ درخواست پناهندگی را رد کرده‌اند.

پناجویان ایرانی

اکثر پناجویان آلمان اهل افغانستان هستند. پس از آن، به ترتیب شهروندان عراقی، ایرانی و صرب بیشترین متقاضیان پناهندگی در آلمان را تشکیل می‌دهند. همچنین شمار پناجویان سوری در آلمان در حال افزایش است. کریستوف امیر لینگناو، وکیل ایرانی-آلمانی گروهی از پناجویان ایرانی، به دوپچه وله گفت، شمار پناجویان ایرانی در آلمان در سه دهه اخیر همیشه زیاد بوده، اما پس از برگزاری دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران در خرداد ۱۳۸۸ بر شمار متقاضیان ایرانی حق پناهندگی به شکل چشمگیری افزوده شده است. به گفته لینگناو که با کانون پناهندگان سیاسی ایران در برلین

همکاری می‌کند، بیشتر پناجویان ایرانی را جوانانی تشکیل می‌دهند که در فاصله سنی ۲۰ تا ۴۰ سال هستند. عده‌ای از آنان دارای همسر و فرزندند، اما ناچار بوده‌اند خانواده خود را در ایران بگذارند و به تنهایی فرار کنند، چون نتوانسته‌اند به راحتی راه فرار برای همه خانواده بیابند. آنان می‌کوشند در صورت گرفتن پاسخ مثبت به درخواست پناهندگی‌شان، خانواده‌هایشان را نیز به آلمان بیاورند.

حمید نوزری، رئیس کانون پناهندگان سیاسی ایران در برلین، می‌گوید که پناجویان ایرانی از قشرهای تحصیل‌کرده و شهری هستند و به نسبت ۵۰-۵۰ از هر دو جنس زن و مرد. وی می‌افزاید، در ۸ ماه نخست سال جاری میلادی، ۲۰۰۰ ایرانی درخواست پناهندگی کرده‌اند و در نتیجه آمار پناجویان ایرانی نسبت به ۸ ماه اول سال پیش، رشدی ۵۰ درصدی داشته است. نوزری می‌افزاید، ابعاد رو در رو قرار گرفتن مردم با نیروهای دولتی در ایران بسیار گسترده‌تر از هنجارهای کلاسیک و شناخته‌شده، مثل عضویت در احزاب یا کانون‌های اجتماعی، است. نوزری به عنوان نمونه از اکسیون سازماندهی‌شده‌ی آب‌بازی در فیس‌بوک در پارک در ماه گذشته در تهران نام برد یا مقاومت برخی از مردم در برابر جمع کردن بشقاب ماهواره‌ها را که توانسته به پیگرد و آزار شرکت‌کنندگان در اکسیون یا مقاومت‌کنندگان در برابر نیروهای دولتی بیانجامد.

در حال حاضر یکی از مشکلاتی که مدافعان حقوق پناهندگان در آلمان با آن روبرو هستند، قبولاندن این مسئله به دادگاه است که در ایران سرکوب ابعادی بسیار وسیع دارد و مواردی غیرکلاسیک را نیز دربرمی‌گیرد. وی می‌افزاید، اگر در گذشته تلاش این بود که نشان دهیم عضو بودن در کمپین یک میلیون امضا در ایران اغلب منجر به پیگرد و زندان می‌شود، اکنون می‌کوشیم ثابت کنیم که موارد سرکوب آزادی در حرکت و انتخاب سبک زندگی نیز زیستن در ایران را با خطر رویارویی با نیروهای دولت و آزار و شکنجه همراه می‌سازد و در نهایت می‌تواند منجر به تصمیم برای فرار از وطن شود.

طی هفته گذشته به ما اطلاع داده شد، کمیسیون مزبور دولت شهر برلین به یک خانواده ایرانی که بیش از ۸ سال در آلمان بدون جواب مثبت و در نتیجه سرگردانی زندگی میکند، جواب مثبت داده است. البته کمیسیون مزبور اجازه ندارد، سرخود به پناجو جواب مثبت بدهد، بلکه بعد از بررسی پرونده پناجو که حدود چهار ماه طول میکشد، به اداره امور خارجیان پیشنهاد میکند به فرد متقاضی اقامت بدهد.

ما در گذشته نیز به این نکته اشاره کردیم، نوشتن دلایل محکمه پسند برای کمیسیون یاد شده چندان ساده نیست.

چگونگی عملکرد ادارات و فرودگاهها:

اگر چنین پناجویی با در دست داشتن نامه سازمان یاد شده به آلمان بیاید (نامه سازمان ملل) دولت آلمان با در نظر گرفتن این نکته که او در ترکیه به سازمان ملل مراجعه کرده، دلایل خود را گفته و یکی از اقوام و یا دوستان اش در آلمان هستند، وی را بدون مصاحبه به ایالتی که فامیل دارد، میفرستد. به چنین پناجویانی که از طریق سهمیه اقامت میگیرند، چنانچه مشغول کار شده و زبان آلمانی فرا گیرند، بعد از مدتی که تعداد سال اقامت آنها در اختیار شهر ها است و حدود ۵ سال میشود، اقامت نامحدود تعلق میگیرد. بنا بر این هم وطنان باید متوجه این نکته مهم باشند، فردی که در ترکیه تقاضای پناهندگی میکند، باید دارای شرایط خاص باشد. در حال حاضر سفارت آلمان در آنکارا مشغول بررسی لیست پناجویان ایرانی، آن افرادی که به سازمان ملل مراجعه کرده اند، میباشد.

باید گفت، تعداد افرادی که از این طریق پذیرفته میشوند خیلی کم و حدود ۱۵۰ نفر خواهد بود زیرا ایالات آلمان با وجود جو عمومی که موافق ایرانیان است، حاضر نیستند از این طریق پناجو بپذیرند. طبق اطلاعاتی که ما بدست آورده ایم، تا لحظه انتشار این گزارش ایالت هسن، پایتخت شهر ویسبادن تا کنون حاضر نشده از طریق سهمیه پناجوی ایرانی بپذیرد. **کتر ایرج ربیعی**



بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!

دلشاد روانبخش رسولی

اندیشمندان مدرن ، خدا ترسان پیش مدرن

تا بوده همین بوده ، عده‌ای آگاه و اندیشمند ، لشگری نادان و کوته فکر را استثمار کرده اند و تاریخ و تقدیر را آنچه می‌خواستند نوشتند آنهم تنها با داشتن یک برتری. برتری ای بنام " آگاهی " .

تا بوده همین بوده ، سناریوهایی تکراری و وقایعی گاه تراژیک و گاه مضحک. تا بوده همین بوده ، عده‌ای باور کردند که می‌دانند و لشگری باور نکردند که می‌دانند. تا بوده همین بوده ، گذر بی رحم ایام مجالی برای توقف عقربه‌های ساعت نگذاشت تا مردم بهت زده از چرخش دوران درنگی تامل کنند تا دریابند چه بر سرشان آمده و چه‌ها در پیش است .

طبق همین اصل است که مردم دوران امروز در کشورهای عربی نیز در بهیبه هیجانان حاکم بر کشورشان نخواهند فهمید چه دست‌های پلیدی پشت پرده‌هایی تحت عنوان برقراری حکومت مردمی و دستیابی به دموکراسی ، افسار اسارت و ابزار چپاول سرزمین و منابع ملی آنان را فراهم کرده اند تا زنجیرهای نا مرئی استثمار نوین را تا مدت‌ها به دست و پای نسل‌های بی‌گناه فردا یعنی فرزندان پدران و مادران نا آگاه امروز افکند.

دقیقا همان طور که پدران و مادران نا آگاه ما هم تابع هیجانان تحولات ۱۳۵۷ تشخیص ندادند عجا پیدایش این رژیم به ظاهر خودخواسته و مردمی مزد مبارزه آگاهانه آنهاست یا مصیبت است و بلایی نازل از آسمان؟! یا که نیرنگ و دسیسه‌ای است از سمت اندیشمندان جهان خوار؟! لیک هر آنچه بود بر سرمان آمد و دردا که همچنان آوار مصیبت است که بر سر می‌ریزد. مادران داغ فرزند به سینه و فرزندان داغ والدین بر دل ، همسر سوگوار همسر و برادر داغ دار برادر و خواهر ...

نیک دانیم قلم قاصر است ز بیان.

با اینکه ذکر واقعه دوی درد نیست و نخواهد بود ، لاجرم سوال‌هایی که جوابش کلید حل این معضلات است را می‌توان از دل همین ذکر وقایع بدست آورد. جواب سوالاتی از قبیل اینکه : چه شد که ثمره قیام مردمی ۵۷

را دو دستی تقدیم شیخ کردیم و گوش به فتوی او شدیم و همه پرسى کودکانه جمهوری اسلامی ، آری یا نه را قبول کردیم و در نهایت شیخ را بر تخت ولایت نشاندیم و استالینی عبا به دوش را آفریدیم ؟

دردا که پدران ما همان روشنفکران خدا ترسی بودند که دل به موعظه‌های شیخ و خط فکری پیش مدرنی شریعتی بستند و یاالله گویان وارد کارزار سیاست و اقتصاد و قانون نویسی و اداره مملکت شدند. همین خداترسی روشنفکران مذهبی ما به همراه انحطاط فکری‌ای که از طریق تفکرات اسلام گرایان افراطی شکل گرفت تفکر ایجاد جامعه‌ای تکصدایی و استبدادی مذهبی را به بار آورد که تا به امروز سایه سیاه خود را بر سر ایران و ایرانی افکنده دارد و عزت و حیثیت ما را نزد جهانیان لگد مال و بی رنگ گردانیده. چرا که اسیر باوری بودند که مال آنها نبود. باوری بود که خیال می‌کردند از آسمان برشان تحمیل شده و چشم بصیرت خود را بستند بر همه چیز ، حتی شعر کسی که از نسل خودشان بود و نامش سهراب بود و گفت : چشم‌ها را باید شست ، جور دیگر باید دید. شعر هم نسل خود را نفهمیدند . باور نکردند دنیای مدرن امروز تفکری مدرن می‌خواهد و هنوز هم باور نکردیم و بجای فریاد زنده باد آزادی ، شعار "مردم باد مرده باد" و "مرگ بر مرگ بر" را سر می‌دهیم .

دردا که همان اشتباه پدرانمان را نسل ما (دهه ۶۰،۵۰) نیز در ۲۳ خرداد ۱۳۸۸ تکرار کرد و دل به موعظه‌های پاسدار موسوی و هم عهدانش بست و لشکر سکوت شد و یا حسین گویان حقوق بشر را طلبید. همه می‌دانیم چه ساده لوحانه بار دیگر حکومت ظلم را بر خود خریدیم . شاید هم نسل ما موسوی را در مقابل حکومت اسلامی فرض کرد و او را در زمره سربازان حکومت اسلامی واقعی دانست؟! قابل توجه آن دسته از هم نسلانی که حکومت اسلامی آخوندی را از حکومت اسلامی واقعی جدا می‌دانند : اسلام آخوندی می‌گوید: اگر از اسلام خارج شوید مرتد هستید و قتل شما واجب. اسلام واقعی می‌گوید : اگر از اسلام خارج شوید مرتد هستید (سوره‌های بقره ، محمد ، آل عمران) . حقوق بشر می‌گوید : شما در انتخاب دین و عقیده خود آزاد هستید. با این حساب نباید به حکومت اسلامی ایراد گرفت ، چرا که ماهیت ذاتی و شالوده ایدئولوژیکی چنین حکومتی به وضوح

مشخص است و حقوقی بنام حقوق بشر متمدن امروزی را به رسمیت نمی‌شناسد. قوانین و احکام چنین حکومت مذهبی ای نه تنها توسط ایادی و چماقدارنش در این دنیا مردم را مطابق حکم شرعی واحکام قرآنی مجازات می‌کند (مثلا بریدن سر و دست و پا و بیرون آوردن چشم و اعدام مخالفین) ، بلکه از همان روز اولی که پیکر بی جان انسان در قبر قرار می‌گیرد اقدام به شکنجه، مجازات و بازجویی مرده (فشار قبر، نکیر و منکر، ضربیه پیشانی بر سنگ لحد) می‌کند. از روز قیامت به آنسو هم به شکنجه و مجازات انسان‌های مخلوق در جهنم ادامه می‌دهد. ماهیت ذاتی و شالوده ایدئولوژیکی چنین حکومتی عقده‌ای، ضدبشر، شکنجه‌گر، بنیادگرا، خونخوار، انتقامجو، ضدزن و قاتل می‌باشد.

پس با این مستندات و با توجه به چنین خصوصیتی به هیچ وجه امکان اصلاح و بازنگری در هیچ کجای چنین حکومت مذهبی ای به هیچ شکلی وجود ندارد و هر مبارز آگاهی اولین هدفش عناد با تمامیت رژیم اسلامی حاکم بر کشورمان تا روز سرنگونی می‌باشد و پس از آن تلاش برای برقراری حکومتی سکولار دمکرات در میهنمان.

و این است مزد مردمانی که ندانستند و اندیشیدن را نیاموختند و توکل بر خدای نادیده را بر توکل به عقل و درایت خود ترجیح دادند. و امروز نوای هم نسل من ، بدان که ما مسئول فردای فرزندانمان هستیم ، پس بیا با باور کردن خودمان و حقیقت جهان پیرامونمان **بدانیم ، بیاندیشیم و بپاخیزیم.**

(1) حکومت ایران طی سالهای گذشته دستگیری‌هایی در میان اساتید دانشگاه، ایرانیان مقیم آمریکا که با داخل ارتباط داشته‌اند صورت داده و ضمن بازداشت چندین ماهه، آنان را به اتهام تلاش برای انقلاب مخملی محاکمه کرده‌است. هاله اسفندیاری، کیان تاجبخش، رامین جهانگلگو، برادران علایی و ... از جمله افرادی بودند که به اتهام تلاش برای راه اندازی انقلاب مخملی بازداشت و پس از حاضر شدن در برابر دوربین‌های صدا و سیما و بیان اعتراف تلویزیونی آزاد شدند. صدا و سیما جمهوری اسلامی با میکس کردن اعترافات نسبت داده شده برنامه‌ای با عنوان «به نام دموکراسی» پخش کرد.

(2) از جمله صدام حسین در عراق ، معمر قذافی در لیبی که با توجه به کودتای بدون خونریزی معمر قذافی در اول سپتامبر ۱۹۶۹ میلادی علیه شاه ادریس صورت گرفت دولت آمریکا بدلیل اینکه احساس کرد قذافی ضد مارکسیست است او را حمایت کرد.

بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!

خسرو حسینی

الگوسازی و بیداری اسلامی یا انزوا جمهوری اسلامی در منطقه

با توجه به تنش‌های موجود میان ایران و بسیاری از کشورهای عربی و منطقه، اعتقاد بر این است جمهوری اسلامی ایران اکنون بیش از هر زمان در منطقه منزوی شده و در انزوا بیش از پیش بسر می‌برد و از تاثیرگذاری بر جنبش‌های اعتراضی عاجز است، اما علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران ادعا میکند: «جمهوری اسلامی با پیشرفت‌های چشمگیر و روزافزون نظام اسلامی بعنوان يك الگوی هویت‌بخش در مقابل چشمان ملت‌های مسلمان منطقه قرار دارد و آنها را تحت تأثیر قرار داده است و دشمنان از الگوسازی انقلاب اسلامی در منطقه و جهان نگرانند. وی با به کار بردن عبارت "بیداری اسلامی" و "الگو بودن جمهوری اسلامی" بسیار اصرار دارد و عملکرد نظام اسلامی ایران را الگویی در تحركات ملت‌های منطقه میدانند و از آن به بیداری اسلامی ملت‌ها یاد می‌کند و پیروی آنها را از اسلام نشانه توجه به جمهوری اسلامی ایران و الگو بودن آن برای منطقه میدانند.

اما بر خلاف اوهاشمی رفسنجانی با تاکید بر اینکه جمهوری اسلامی نتوانسته «جامعه‌ای سالم و صالح» بسازد، از «گسترش مفاسد، دروغ و بداخلاقی‌ها در جامعه» ابراز تأسف می‌کند و می‌گوید: اگرچه در جامعه ما به وفور از اخلاق اسلامی دم زده می‌شود، اما متأسفانه آنچه اکنون در برخی مراکز تصمیم‌گیر و به تبع آن بعضی رسانه‌ها و جراید جامعه اتفاق می‌افتد و عمل می‌شود به گونه دیگری است، رفسنجانی نه تنها الگو شدن جامعه امروز ایران را ناممکن می‌داند که نگران است با توجه به اوج گرفتن فساد و دروغ اعتماد مردم همین کشور نیز به حکومت اسلامی بیش از پیش سست شود. چرا که آثار همین دروغ، نهمت، بداخلاقی و بی‌حساب و کتاب حرف زدن توسط مقامات در جامعه گسترش یافته و مانند خوره پایه‌های اعتماد مردم را از بین برده است.

رهبران نظام اسلامی برای برون رفت از این بن بست و گرفتار نشدن در وضعیت در پیش روی آنها همچنان که در سایر کشورها

ی منطقه بوجود آمده است بجای چاره اندیشی درست و دادن امور به دست مردم و داشتن ایرانی آباد و آزاد، خود را قیم تام الاختیار مردم میدانند و با مداخله در امور سایر کشورهای منطقه سعی در نابسامان کردن اوضاع میکنند و کبریت بر انبار باروت میکشند.

پشتیبانی جمهوری اسلامی از حکومت بشار اسد در سوریه نیز که به گفته‌ی سازمان ملل در ماه‌های گذشته بیش از ۲۷۰۰ شهروند معترض را به قتل رسانده، دال بر این ادعا میباشد و بطوریکه محسن رضائی یکی از مقامات بلند پایه حکومتی ایران، سوریه حزب الله و حماس را خط قرمز ایران میدانند و می‌گویند: حکومت ایران اجازه نخواهد داد برای آنها مشکلی ایجاد شود زیرا آنها خط مقدم جهان اسلام مقابل اسرائیل هستند. جامعه‌ای که در آن فساد و دروغ «مانند خوره پایه‌های اعتماد مردم» را از بین می‌برد، چگونه می‌تواند الگو و مورد اعتماد شهروندان کشورهایی باشد که یکی از شعارهای اصلی اعتراض‌شان مخالفت با فساد و ریاکاری حکومت است. مصداق بارز آن اظهارات راشد الغنوشی رهبر اسلام‌گرایان تونس است که گفته: نه من خمینی هستم و نه جنبش اعتراضی در تونس اسلامی است و همچنین در لیبی، تازه‌ترین رژیم سرنگون شده‌ی منطقه نیز گرچه مانند برخی کشورهای دیگر اسلام‌گرایان قدرت زیادی دارند، رهبران جدید بیشتر حکومت ترکیه را الگوی خود می‌دانند.

اما رهبران جمهوری اسلامی همچنان مصرند و خود را بعنوان پیشرو در مبارزات ملت‌های منطقه میدانند و مرگ قذافی را جشن می‌گیرند، قذافی که تا دیروز یار و غار آنها و در دوران جنگ ایران و عراق در کنار حکومت اسلامی ایران بود و از آن در مقابل صدام حمایت میکرد، جمهوری اسلامی الگو پذیری مردم لیبی از خودشان را عامل پیروزی آنها میدانند و خود را مظهر بیداری اسلامی معرفی و مرگ قذافی را نشانه تحول اسلامی مردم آنجا و خود را الگویی برای آنها معرفی می‌کنند.

آنان با اینگونه رفتارها " با بی اعتمادی به مردم و قدرت طلبی و جاه طلبی‌های خودشان " به حمله فردای ناتو به ایران مشروعیت میدهند همانطوری که قذافی در لیبی انجام داد.

جمهوری اسلامی ایران به حدی دچار توهم و خود بزرگ بینی شده که نمی‌خواهد از وقایع پیش آمده در منطقه در س عبرت بگیرد و نمی‌خواهد بداند که قذافی قربانی جاه طلبی و نادانی خود شده و ملت خود و اقتصاد لیبی را نیز با خود قربانی کرد و لیبی را به ناتو و غرب تحویل داد، اینک با توجه به اوضاع لیبی و اقتصاد نابسامان و مشکلات مردم آن در همین ابتدای راه طبق اظهارات مقامات آمریکائی باید شاهد سهم خواهی اعضای ناتو در آنجا بود که بنام دفاع از حقوق بشر آزادی را به اصطلاح برای آنها به ارمغان آورده اند، و بدین منظور در آنجا پول خرج کرده اند چرا که اگر نمی‌کردند این پیروزی حاصل نمی‌شد.

قذافی نخواست که بشنود، حتی اندک عبرتی از سقوط دیکتاتورهای تونس و مصر نگرفت و تمام تلاشش این بود که به هر قیمتی، چند صباحی دیگر بر اریکه قدرت باقی بماند این نکته خود می‌تواند بیان گر این مطلب باشد که جمهوری اسلامی ایران از قرار معلوم نه تنها نمی‌خواهد از سرانجام دیگر دیکتاتورهایی که نقل فرجام کارشان در تاریخ آمده است عبرت بگیرد بلکه حتی نمی‌خواهد از پایان کار دیکتاتورهای هم عصر و هم زمان خود عبرت بگیرد، که این مسئله نیز ناشی از این است که نظام اسلامی هیچ ریشه‌ای در مردم سالاری، خواست و آرای مردم ندارد.

قذافی در کمال بی اعتمادی به مردم کشورش، اجازه نداد که آنان خود راهشان را بیابند. زیرا حضور مردم در صحنه سیاسی کشور را مغایر با منافع خود بر حاکمیت لیبی میدانست و برای سرپوش گذاشتن بر فساد و شکست های حکومت خود غرب را دشمن معرفی می‌کرد و زمانی که او خود نماد دشمنی با مردم شد، غرب در ذهن مردم به دوست مبدل شد. یعنی همان فاجعه ای و روندی را که در جمهوری اسلامی شاهد آن هستیم. هر اندازه که علیه امریکا و استکبار و غرب بیشتر می‌گویند، از حساسیت مردم نسبت به آنها می‌کاهند، زیرا که مردم آنها را مسبب تمام نابسامانی‌های موجود میدانند. و الگو سازی و بیداری اسلامی را بدین گونه و با چنین سرانجامی در منطقه میتوان دید.

بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!

علیرضا حسنی

دموکراسی و فرهنگ سازگار

جگرسوزترین درد بر تاریخ ایران این است که همواره اجانب، مالکیت بر ایرانیان را از آن خود دانسته و پس از تحقیر و آلوده ساختن روان مردم، معنی تملک را بر آنان القاء نموده و از آن پس شد که فرهنگ آزاد اندیشی در کنار یکدیگر، به تملق گویی صاحبان، جهت رضایت آنان مبدل شد. اکنون به تبع چنین روندی، روزبه روز از تمدن باستانی، که به اتکاء داشتن مردمی با غیرت در حمایت از حقوق هم نوع خود، سرفرازی می کرد و مباحثات آن، محیا نمودن شرایط زیست برابر برای همه بود، چیزی بجز واپسماندگی فرهنگی، پیشرو قافله سالار نش نیست. در حقیقت در این صحرای لم یزرع حاصلی جز افراطی گری، درو نمی شود. هنگامی که قشر قالب جامعه دوچار افراطی گری شده باشند، هیچ گزینه ای که نتیجه مطالعه و داشتن دیدی روشن برای رهایی از وضعیت نامطلوب باشد در نظر ندارد و اینجاست که از روی همان افراط، آمادگی برای پذیرش هر گونه تهاجم فکری به عنوان راه کار و علاج، است. و چگونه می توان پنداشت در وضعیتی که قالب و چارچوبه فکری اکثریت جامعه تهی از آگاهی و عدم رابطه با اقلیت روشنفکر خود میباشند، به خودی خود تصمیمی درست برای آینده ای بهتر اتخاذ کند.

قیاس کودکی است گرسنه، که در صرافت رهایی از گرسنگی، خواستار هر گونه خوراکی است که در طبق پیشنهاد ارایه می شود. بیهی است که چربش شکم گرسنه بر عقل اندک او، مانع از انتخاب غذایی باب طبع می شود و چه بسا فسادی در پی خواهد داشت. خاصه اینکه تهیه کننده این طبق ناشناس، و غرضش نا معلوم باشد. حال و اقلیت این است که ناگزیر از فشارهای سیاسی، اقتصادی رژیم اسلامی ایران که فرو پاشی فرهنگی را بدنبال داشته است، هر مفری برای جستن مردم از این انقباض جهت رسیدن به آرامش و امنیتی نسبی که مجال بازسازی فرهنگی برای تفکری صحیح و انتخابی مناسب پدید آید، نجات بخش است؟ آیا هر تجویزی رابه عنوان نسخه علاج این فرهنگ بیمار می توان پذیرفت؟ در ضمن نباید از این موضوع صرف نظر کرد که نسخه از دست دکتری حاذق

دریافت میشود یا شیادی دیگر با ترفندی برای حاکمیت جدید، بمنظور اعمال سلاقی خود و نهایتاً استبدادی دیگر، همانگونه که بارها در طول تاریخ رخ داده است. خصوصاً تجویز نسخه ای که سی و چند سال است رهایی از عفونت آن میسر نیست. و هم اکنون پیشروی این جراحت دامنگیر بسیاری از اندیشمندان کشورمان شده، و بسیاری از نسل قدیم و جدید در تب آن می سوزند. و چنان توده ای را مسخ نموده است و ملایان صاحبان اندیشه های عوام شده اند که سر بر آوردن از این ورطه با چنین فرهنگ بی دفاعی که چیزی در چننه خود بجز عملکرد به فتوهای خرافی نمی یابد، بسی دشوار است.

جای تأمل است، که آیا واقعاً خیزش اعراب علیه حکومتهای خود کامه خود، تجلی واقعی دموکراسی را در پی خواهد داشت. آیا واقعاً تار و پود نظامهایی که سالیان سال با حاکمیت استبداد، قالب افکار مردمش را تسخیر کرده و توان انعطاف پذیری برای شکل گرفتن به قالب جدید را به حداقل ترین ممکن رسانده، شاهد جلوه دموکراسی می تواند باشد؟ آیا این جامعه نیز طی سالیان متمادی دچار افراطی گری نشده است؟ و به ناگاه نظامی مردم سالار از راه رسیده و قدرت تصمیم گیری و تغییر ساختار را به دست مردم سپرده است؟ البته دور از هر گونه بدبینی باید گفت که معدود افکاری هستند که بینش روشن آنها از جامعه کنونی خود، که چگونه هستند و چگونه باید باشند، موجب بروز تنشها و موجهای مثبت در دیدگاه مردم برای شناخت اوضاع و خیم اطراف خود می شوند. اما چنانکه تجربه تلخ تاریخی نشان داده است، اقلیتهای این چنینی در اسارت و رنگ باختگی کنشهای اکثریتی هستند که افکارشان پریشان و ذوب در اوامر صاحبانشان است. شاید قیاس بناهای فکری مردم بومهای متفاوت با سنن و آداب مختلف، خاصه ایرانیان و اعراب قیاس صحیحی نباشد، اما در اینجا، مراد نظامهای حاکم است، که گوشها و دهانهای مردم در مالکیت آنهاست و خواسته ها و نا خواسته های آنان از سر نا آگاهی یا نا گزیری مردم به اجرا در می آید. حال با این اوضاع و احوال چگونه مردم می توانند در حقوق خود دقت نموده و نظامی مردم مدار را پیاده و نگهداری کنند.

شاید به تعبیری بتوان گفت اکنون سیاستهای تصمیم گیرندگان برای مدیریت کشورهایی

از این دست به نوعی تغییر رویه داده است، که هم با عنوان پر محتوای دموکراسی عامه ای را دلخوش به این عنوان نموده، هم به مقاصد خود برای در دست داشتن تمامیت آنها، بدون هیچگونه رد پای نائل شوند. در حال حاضر عواملی چون دین زدگی مردم، انزجار از رژیم های تک محور و...، ایجاب می نماید تا تصمیم گیرندگان بدون اتلاف وقت، نسخه ی مجازی جدیدی تحت عنوان دموکراسی تجویز کنند تا هم صف بیماران این تجویز خوش ظاهر بد عاقبت، که از شرایط موجود به تنگ آمده اند طویل تر شود، هم با خوش نامی تحت عنوان بانیمان نظم نوین جهانی و حامیان حقوق بشر، تالایشان برای صید، پر ماهی باشد و منطقه به کامشان. تا چه پیش آید و کی شود که دوباره مردم سر ارادت بردارند و عناد ورزند.

به تاریخ برگردیم و از گذشتگان نیک و بد عبرت بگیریم، تعمق کنیم در آنچه که بردلسوختگان تاریک ستیز رفت و آنچه که در گفتار و کردارشان، در پنهان و پیدایشان و غمشان، غم مردم بود. اما نگذاشتند که غم مردم نیز شناخت این دلسوختگان و دانایان باشد تا تجویز واقعی اینان و تربیت مدنی، راهگشای این بیماران شود، و همواره برینند این رابطه دو جانبه را. که اگر این رابطه جهت پاک کردن اذهان مردم از آموزه های خرافی و سپس مهیا کردن آن برای مطالعه ی فرهنگهای رشد یافته شکل می گرفت، برابری در حقوق اجتماعی و بهره مندی از عدالت، چهره واقعی خود را نشان می داد. چه بسا پشتوانه فکری جامعه برای گزینش دموکراسی واقعی بالاتر می رفت و ارتقاء فرهنگی آنان معنی پیدا می کرد. هم اکنون نیز این قشر عاری از این روشنفکران نیست و ما نیز باید، بیابیم، بشناسیم، آگاه شویم تا اگر مسیری برای ساختن آینده ای روشن یافتم، پیمودیم و آزاد زیستیم، بواسطه پشتوانه ی استواری که باینش صحیح از دموکراسی بدست آمده است، فرهنگی سازگار و متناسب با آن پرورش دهیم. بتوانیم آن را حفظ کرده و بدنبال گرفتن راه و چاره جدید از دست منفعت طلبان نباشیم، تا با ملاک سنجش مثال (خلایق هر چه لایق) به اثبات رسانده باشیم که گذر از کوره ها و سپری نمودن ایام سخت و دسترسی به آگاهی درست از معنی عدالت اجتماعی، لیاقتش توانایی انتخاب است.

بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!

فعالین حقوق بشرو دمکراسی در ایران

به مناسبت ۱۰ اکتبر، روز جهانی مبارزه با اعدام

اعدام، روزگاری واژه ای مهیب و غیر قابل تصور و امروز دگر واژه غریبی نیست. سالهاست مردم ایران به اجبار با این واژه خو گرفته اند. اعدام زندانیان سیاسی به اتهام محاربه، اعدام اقلیت های مذهبی به اتهام ملحد، اعدام اقلیت های قومی به اتهام تجزیه طلبی، اعدام کودکان زیر ۱۸ سال و اعدام به اتهام قاچاق مواد مخدر. در طی این سالها اعدام ابزاری بوده در دست رژیم ولی فقیه، برای ایجاد رعب و وحشت و تن ندادن به خواسته های آزادیخواهان و حق طلبانه مردم ایران.

این حکومت با اعمال فریبکارانه، همیشه از رشد انسانیت در وحشت بوده و قانون های خشن را برای آرامش خویش تصویب و در بیدادگاههایش اجرا می کند و از رشته رشته وجود انسانها طناب دار می سازد تا ابتدا شخصیت او را از آن بیاویزد و بازمانده شمع وجودش را دار بزند. رژیمی که از همان روزهای آغازین حکومتش، به جای پاسخگویی به خواسته های بر حق مردم با اعدام هزاران هزار زندانی سیاسی و آزادیخواه سعی در برپایی سکوت و خفقان در جامعه را داشت و امروز که با اعتراضات و اعتصابات گسترده مردم روبروست باز هم نمی خواهد بر حقوق حقه مردم و خواسته های حق طلبانه آنها تن دردهد بر اعدام و سرکوب خود افزوده است.

با اعدام زندانیان سیاسی، اعدام نوجوانان، نوجوانی که به جرم غفلت، در پشت میله های زندان در انتظار اعدام بسر می برند. رژیم ولی فقیه با استفاده از قوانین ضد انسانی اش به آنها می تازد تا وجود آنها را زیر چرخهایش له کند. وجود نحیف آنها را ابتدا به حبس می کشد و از آنها موجودی می سازد ضد خویش و رهایش می کند تا به خویشتن خویش بتازد و به خود و هموعانش سبلی و تازیانه زند. لطافت روحش را می گیرد و خشونت را جایگزین آن می کند. آنها مجرم نیستند بلکه تنها انعکاس سرکوب و خشونت اعمال شده بر جسم و روح خویش هستند. اعدام به اتهام قاچاق مواد مخدر، قاچاق مواد مخدر حاصل فقر و سرگشتگی، درد بی خانمانی و دربدری است

اختلاس های میلیاردی رژیم در برابر فقر و گرسنگی عده ای که به ناچار به دام مواد مخدر افتاده اند. مواد مخدری که خود رژیم با وارد کردن و توزیع گسترده آن در جامعه قصد دارد تا مردم و به خصوص جوانان را درگیر کند تا آنها

مدت مشابه در سال ۲۰۱۰ افزایش قابل توجهی نشان می دهد.

UNHCR در گزارش خود آورده که بحران در غرب، شمال و شرق آفریقا باعث جابجایی عمده ساکنان آن مناطق شده و در افزایش تقاضای پناهندگی در میان مردم تونس، ساحل عاج و لیبی موثر بوده، هر چند اثر این بحران ها بر تقاضای پناهندگی از کشورهای صنعتی محدود بوده است. بر اساس این گزارش، با در نظر گرفتن ۴۴ کشوری که تقاضای پناهندگی بیشتر از سوی مردمان آن کشورها ارائه می شود، تغییر خاصی در ترتیب کشور های پاد شده از این حیث ایجاد نشده است.

افغانستان با ۱۵ هزار و ۳۰۰ تقاضا، چین با ۱۱ هزار و ۷۰۰، عراق ۱۰ هزار و ۱۰۰ و ایران با هفت هزار و ۶۰۰ از جمله آن کشورها هستند. آنتونیو گوترس کمیسر ارشد آژانس پناهندگان سازمان ملل گفته سال ۲۰۱۱ از نظر بحران های منتج به جابجایی مردم با سالهای قبل تفاوت جدی داشته است. وی افزود "اثر این بحران ها روی تعداد متقاضیان پناهندگی از کشورهای صنعتی کمتر از حد انتظار بوده است چرا که اکثر کسانی که از خانه و کاشانه خود گریخته اند اغلب به کشورهای همسایه خود رفته اند."

بر اساس یافته های این گزارش، قاره اروپا در میان قاره های جهان با ثبت ۷۳ درصد از کل موارد تقاضای پناهندگی در جایگاه نخست قرار دارد. در مورد استرالیا از تعداد متقاضیان کاسته شده و رقم مربوطه در سالجاری ۵۱۰۰ مورد بوده است در حالی که برای مدت مشابه سال قبل این رقم ۶۳۰۰ تقاضای پناهندگی بود.

در میان کشورهای جهان، آمریکا با ۳۶ هزار ۴۰۰ تقاضا بیشترین تقاضا برای پناهندگی را ثبت کرد و در رتبه بعد کشورهای فرانسه با ۲۶ هزار و ۱۰۰، آلمان ۲۰ هزار و ۱۰۰، سوئد ۱۲ هزار و ۶۰۰ و بریتانیا ۱۲ هزار و ۲۰۰ قرار دارند.

منطقه اسکاندیناوی در اروپا تنها حوزه ای بود که شاهد کاهش تقاضای پناهندگی بود. در مقابل، کشورهای حوزه شمال-شرق آسیا (به ویژه در ژاپن و کره جنوبی) شاهد افزایش بیش از دو برابر تقاضاها بود.



را بیشتر در خود فرو برد تا به دیکتاتوری سرکوب و دزدیهای خود ادامه دهد. رژیمی که حتی با ایجاد باندهای مافیایی در داخل زندانها اقدام به خرید و فروش مواد مخدر در بین زندانیان می کند تا صدای آنها را خفه و به راحتی از آنان سوء استفاده کند و از طرفی دیگر این رژیم اعدام به اتهام مواد مخدر را وسیله ای قرار داده برای ایجاد فضای رعب و وحشت بیشتر در بین مردم چرا که خود بزرگترین قاچاقچی مواد مخدر است. در روز جهانی مبارزه با اعدام، فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران اعدام زندانیان سیاسی، اعدام کودکان، اعدام اقلیت های مذهبی و قومی و اعدام های گروهی به اتهام مواد مخدر را که در هفته های اخیر بصورت جنون آمیزی شدت گرفته محکوم می کند و از تمامی انسانهای آزاده و مدافع حقوق بشر می خواهد تا در برابر رژیم مستبد حاکم بر ایران قد علم کنند و در تمامی مجامع بین المللی هم صدا با ما اعدام این غیر انسانی ترین شکل سلب حیات و زندگی انسانها را متوقف کند.

افزایش تقاضای پناهندگی ایرانیان در

کشورهای صنعتی

گزارش کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان

آمارها نشان می دهد که موارد تقاضای پناهندگی از کشورهای صنعتی جهان ظرف شش ماه گذشته ۱۷ درصد افزایش یافته است. ایران از جمله کشورهایی است که بر اساس این گزارش، اتباعشان بیشترین از سایر کشورها متقاضی پناهندگی شده اند.

دفتر پناهندگان سازمان ملل از درخواست پناهندگی بیش از ۷۶۰۰ ایرانی در شش ماه اول سال جاری خبر داده است. در این گزارش، از ایران بعنوان یکی از پنج کشور جهان با بیشترین تعداد پناهجویان یاد شده است. از ۷ هزار و ۶۰۰ پناهجوی ایرانی بیش از ۳ هزار نفر از کشوری های اروپایی درخواست پناهندگی کرده اند. این آژانس در گزارش خود آورده که نیمه دوم سال معمولاً شاهد افزایش تقاضاهای پناهندگی است و پیش بینی کرده که رقم متقاضیان امسال به ۴۲۰ هزار برسد که بالاترین آمار ظرف هشت سال گذشته است.

گزارش یاد شده که تحت عنوان "میزان تقاضای پناهندگی و روند تقاضاها در کشورهای صنعتی برای نیمه اول سال ۲۰۱۱" تهیه شده است، روز ۱۹ اکتبر، منتشر شد. بر اساس این گزارش، تعداد تقاضاهای پناهندگی از کشورهای یاد شده در شش ماهه اول امسال ۱۹۸ هزار و ۳۰۰ مورد بوده است که در مقایسه با ۱۶۹ هزار و ۳۰۰ تقاضای

بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!

احمدشاملو

م. سحر

کیفر

با توام هم میهن

مگذار که فردای تو دیروز کنند

در این جا چار زندان است
به هر زندان دو چندان نقب، در هر نقب چندین
حجره، در هر حجره
چندین مرد در زنجیر.....
از این زنجیریان یک تن، زنش را در تب
تاریک بهتانی به ضرب دشنه ای کشته است.
از این مردان، یکی، در ظهر تابستان
سوزان، نان فرزندان خود را بر سر برزن، به
خون نان سخت دندان گرد آغشته است.

از اینان، چندکس، در خلوت یک روز باران
ریز، بر راه رباخواری نشسته اند
کسانی، در سکوت کوچه، از دیوار کوتاهی به
روی بام جسته اند
کسانی، نیمه شب در گورهای تازه، دندان طلای
مردگان رامی شکستند.
من اما هیچکس را در شبی تاریک و طوفانی
نکشته ام من اما راه بر مرد رباخواری نبسته
ام
من اما نیمه های شب ز بامی بر سر بامی
نجسته ام.

در اینجا چار زندان است
به هر زندان دو چندان نقب و در هر نقب چندین
حجره، در هر حجره چندین مرد در زنجیر
در این زنجیریان هستند مردانی که مردار
زنان را دوست می دارند.
در این زنجیریان هستند مردانی که در رویای
شان هر شب زنی

در وحشت مرگ از جگر بر می کشد فریاد.
من امادر زنان چیزی نمی یابم-گران همزاد
را روزی نیاب ناگهان، خاموش
من اما در کهسار رویا های خود، جز انعکاس
سرد آهنگ صبور این علفهای بیابانی که می
رویند

ومی پسندومی خشکندومی ریزند
با چیزی ندارم گوش.
مرا گر خود نبود این بند، شاید می گذشتم از
تراز خاک سرد پشت....
جرم این است
جرم این است

ای که از خواب گران دیده گشود
با چه رنگی ای دوست ، یار و هم رنگ تو
می باید بود
کاشکی دست تو را می خواندم
کاش می دانستم بین ما هیچ هماهنگی نیست
که نیای تو کیومرث و فریدون بودند
که جهان بینی فرهنگ تو را به جهان توصیه
می فرمودند

با تو ، با تو ، با تو آزاده ی تاریخ بشر
گنج دار همه فردوسی ها
که ، چونان رستم دستانی داشت
با تو هم میهن، فخر بشریت
که چه سر سبز و پر آوازه گلستانی داشت
با تو هم میهن پاک
با تو ای وابسته ترین آدم وابسته به خاک
که سر هر وجب از خاک وطن خون دادی
رخت اسکندر و چنگیز به بیرون دادی
با تو ای هم سخن حافظ و مولاناها
که به شیرینی گفتار تو در عالم نیست .
که به دریای سخن گوهر
گویش تو در صدف در دری است .

با توام هم میهن
سروری ها ز چه یکباره فراموش تو شد
گو کجا رفته آرش
به کجا خون سیاوش تو شد
پدران تو چنان مردانند
تو نه ابن و نه ابوی دگری
پدران تو همه زایچه ایرانند
مگذار از کفت ایران تو را بستانند

با توام هم میهن ، تازی از سفره فرهنگ تو
پرورده شده
شعر حافظ که کلام بشری است
با زبان تو پرورده شده
پارسی را گر ز تو بستانند
به دلت داغ زنند

بخدا ، بخدا ، بخدا تلخ تر از زهر شود این
دوران
هوش سرشار تو کو
که چنین حقیرت کردند
با توام هم میهن
خیز از جای ، خیز از جای ،
خیز که فردا دیر است
که دشمن و دوست کنون برجایند

حاشا که زیاد، آنهمه بیداد رود
خاکستر. داغ لاله بر باد رود
امروز. تو بی چراغ. دی، روشن نیست
دیروز تو فرداست گر از یاد رود
بس خدعه و کین ، بدان. کین تو ز کنند
کز روح. تو لوحه ای بدآموز کنند
دیروز ، بهار. تو به غارت بردند
مگذار که فردای تو دیروز کنند! -

ای دوست ز بوستان خونین یاد آر
از سوسن و پروانه و پروین یادار
از محسن و اردشیر و بهروز و مجید
وز آرش و مرتضا و افشین یاد آر
ای دوست منه که یادگارت دزدند
از لوح ضمیر روزگارت دزدند
ویران کردند لاله زارت مگذار
کان خاطره سبز. بهارت دزدند
مسپار به زنگار فراموشی ، دل
مگذار چنان شود که بفروشی ، دل
برخیز و چراغ یاد یاران بفروز
حاشا که فرو رود به خاموشی ، دل
یاد آر ای دوست تا زیادت نرود
دشمن به سراغ اعتقادت نرود
دامت نهد به راه وجدان تا نیک
یادت به گسستن از نهادت نرود
یاد آر ای دوست از عمو هایت نیز
از خاله و عمه های زیباییت نیز
گشتند به نام دین و دینشان کین بود
دیروز بود چراغ. فردایت نیز
زان سرو به خون فتاده یاد آر ای دوست
گهگاه به جام باده یاد آر ای دوست
زان دوست که در حسرت آزادی دوست
جان در ره دوست داده یاد آر ای دوست
گر روزنه یاد تو مسدود کنند
آگاهی ات انبان. دم و دود کنند
زان سرو. به خون فتاده یاد آر و مباد
تا لوحه وجدان تو مفقود کنند
آن ژاله خون کز ابر نمناک چکید
وان قطره که از سوخته تاک چکید
هرگز مرود ات از نظر ، در نظر آر
فریاد. قشرده ای که بر خاک چکید

بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!

علیرضا حسینی

نگاهی گذرا به اندیشه های امیر کبیر

تاریخ مبارزات ایران علیه استبداد نامهای بلند آوازه ای را در خود جای داده است، روشنفکرانی که خواستار تغییر صحنه سیاسی اجتماعی کشور به اتکاء توان ارتقاء یافته فرهنگی مردم بودند. میرزا تقی خان امیر کبیر یکی از نسل های برجسته ایران بود که بواسطه نو اندیشی در دوران صدارت خود به نوعی عمل کرد که در آن برهه از زمان تغییر شکل حکومت از حکمرانی به مدرنیته شدن و بهره گیری از علوم روز مشهود بود. او یکی از بزرگ مردان دوره سلطنت قاجار بود که در دستگاه قائم مقام فراهانی رشد فکری بیشتری پیدا کرد و پس از دریافت لقب امیر نظام، بر اثر فراست و لیاقت های سیاسی خود، به مقام صدارت نائل شد.

هنگام صدارت او اوضاع سیاسی اقتصادی ایران مختل بود، اعم از (فتنه سالاری، رکود علم و فرهنگ، باج دهی به عمال داخلی و خارجی و) امیر کبیر به پشتوانه نبوغ و روشنفکری خود، پس از مشاهده نواقص به خصوص رکود علم و فرهنگ، بدون اظهار عجز و ناتوانی با پشتکاری عجیب در صدد ترمیم زیر ساختارهای سیاسی اقتصادی کشور برآمد. او با بسط روابط بین الملل از جمله حل اختلاف با تزار روسیه و قرارداد صلح با عثمانی، شاخه های دشمنی و عداوت را خشکاند تا مجال بیشتری برای رسیدگی به امور داخلی کشور باشد. ایجاد امنیت و پایان دادن به شورش ها و باجگیریهای پنهان و پیدای صاحبان قدرت را در اولویت بر نامه های خود قرار داد. او با اقدام به نظارت و کنترل بر مناسبات دیوان و خاندان سلطنت، اصلاحات نظام اداری و برخورد قاطع با مفاسد مالی، موجبات پایه گذاری نظام نوین را پدید آورد.

امیر کبیر به درستی دریافته بود که اجرا و پیشبرد برنامه های او وابسته به بهبود اقتصاد کشور است. لذا در این زمینه نیز جهت تولید ثروت، اقدام به تاسیس کارخانجات، تجارت های داخلی و خارجی و آموزش صنعتگران نمود تا با بهره گیری از اقتصادی پویا به بزرگترین هدف خود که همان بسط فرهنگ و روشنگری مردم بود دست یابد. او علت عقب ماندگی کشور، تزلزل در مقابل زیاده خواهی های اجانب و انزوای سیاسی اجتماعی را در فقر فرهنگی می دانست. ایرانی متمدن با داشتن نظمی نوین را منوط به (در وهله اول رسیدگی به وضع اسفبار عوام و سپس نمو دانائی) آنان میدانست. در حقیقت حقوق انسانی شهر وندان را بر پایه رفاه اقتصادی و رشد سیاسی بنا نهاد تا پس از برقراری رابطه ای دو

جانبه با مردم و ایجاد حس یگانگی در ترغیب آنان به فراگیری علوم، آگاهی از وقایع کشور و نهایتاً هماهنگی با سیستم جدید موفق شود.

از لحاظ آشنائی با زمینه فکری جامعه ما در این زمان، از یک سو اندیشه تفکیک سیاست از دین شناخته شده بود و از سوی دیگر به تجربه ثابت شده بود که دخالت ملایان در امور مملکت داری سد راه اصلاح طلبی و تمدن است. در ترجمه تاریخ پطر آمده که پطر به دانایان و کشیشان گفت: (مهام سلطنت و انجام امور با من است، و مرا با تشخیص و امتیاز مذهب و دین کاری نیست.) و آنچه بیشتر در ذهن امیر تاثیر گذاشته بود، همین بود. میرزا صالح شیرازی در سفر نامه نفیس خود در مورد احوال عثمانی نکته ای را آورده است (مادامی که سلسله علیه ملاها خود را مداخل به دولت عثمانی نماید، هرگز دولت مزبور ترقی نخواهد کرد. در حقیقت هر دولتی که ملایان در آن دخالت نمایند، بنا را به حبله بازی گذارند و هر گز آن دولت رشد نخواهد کرد.) همین معنی در سخن امیر به کنسول انگلیس و سفیر آن دولت مشخص است. پس از گذشت نه ماه از صدارتش، کنسول که به دیدنش آمده بود، در گزارش خود نوشته (امیر نظام مصمم است که جلو نفوذ روحانیون را بگیرد، گر چه میداند کاری بس دشوار و پر خطر ولی متذکر شد که، دولت عثمانی وقتی در راه تجدید نیروی خود توفیق یافت که نفوذ علما را در هم شکست و گفت او هم یا همین کار را خواهد کرد یا سرش را بر باد خواهد داد.) همچنین زمانی که اختلاف امیر با امام جمعه تهران بالا گرفت، گفت: (یا باید در برابر ادعاهای و دخالت های امام جمعه ایستادگی کنم، یا دست از سیاست و زمام داری بکشم، متأسفانه این موضوع محدود به علمای پایتخت نمی شود و در سرتاسر ایران ملایان در پی قدرت هستند و می خواهند در امور سیاسی و دنیایی دخل و تصرف نمایند.) برخورد دولت و روحانیون امری محتوم بود.

تحریک امام جمعه تهران به برانگیختن مردم شهر علیه امیر، کشمکشهای پنهانی را آشکار ساخت. باید دانست که دستگاه امام جمعه تهران همواره مورد توجه سفارتخانه های روس و انگلیس بود، و هر دو سعی داشتند با آن روابط خوب و نزدیکی داشته باشند و اسناد حاکی از آلودگی دستگاه سیاسی بودو میرزا محمدمهدی امام جمعه عمومی میرزا ابوالقاسم همان کسی است که دستگیری قائم مقام فراهانی را به وزیر مختار انگلیس تهنیت گفت. همچنین بنا بر نوشته وزیر مختار انگلیس، یکی از معتمدان خود را به سفارت فرستاد تا مراتب خرسندو شادمانی امام جمعه و همه طبقات مردم را از آن بابت ابراز دارد و نیز بگوید که جملگی معتقدند بنا بر تلاش من (وزیر مختار) بود که خوشبختانه توانستند از دست قائم مقام فراهانی،

یعنی آن آفت بدتر از طاعون رهائی یابند. شاید چنین اسناد واقعی از تاریخ تلخ ما شکی را باقی نگذارد که کاسه گی ملاها و عوامل فرصت طلب خارجی هم اکنون بیش از پیش و با تجربه ای بیشتر صورت میگیرد.

امیر کبیر را باید به نوعی بانی فرهنگ ایران دانست، زیرا او به واسطه احیاء روزنامه و تاسیس مدرسه دارالفنون و انتشار کتاب فنی و بهداشتی، اعزام محصلین به اروپا و استخدام معلمین اروپائی کوشید تا نقش اصلاح گرانه خود را جلوه گر سازد و در نهایت عدالت اجتماعی را به نحوی برقرار سازد تا سرهای فرود آمده در مقابل اربابان قدرت بالا نگاه داشته شود در حقیقت بنای دارالفنون زائیده آموخته های او بود. او مدرسه های روسیه را دیده بود و با علمی که در غرب تدریس می شد آشنائی داشت و از دنیای جدید خبر داشت. هدف از ایجاد دارالفنون در مرحله اول تحصیل علوم و فنون جدید بود و در مرحله بعد علوم نظامی. رشته های اصلی دارالفنون شامل ریاضیات، نقشه کشی، معدن شناسی، فیزیک و دارو سازی، طب، جراحی، تاریخ و جغرافیا و زبانهای خارجی بود. از طرف دیگر چاپ روزنامه با هدف رشد عقلانیت جامعه و آگاهی مردم از اوضاع و احوال انجام می شد.

اکنون اندک فضای باز سیاسی، آزادی تشریفات و جراید و تا حدودی آزادی بیان؛ مردم را از اوضاع و احوال جامعه و آنچه در خلال روابط کشور و همسایگان آن می گذشت با خبر می ساخت. به آرامی پرورش اندیشه ها شکل می گرفت و پس از چندی تیز بینان بوضوح شاهد پیشرفت امور در اکثر زمینه ها بودند. بدیهی است که چنین وضعیتی با شرایط و روابط عوامل خارجی و بسیاری از درباریان سازگار نبود و از طرفی محدودیت در حشر و نشر آنان با شاه و کمربند شدن نفوذ آنان در حکومت، حس خطر خروج زمام امور را از دست آنان ایجاد می کرد.

در چنین شرایطی باز گشت به اوضاع نابسامان گذشته فقط با از دور خارج کردن امیر کبیر میسر بود. لذا بدگویی نزد شاه تا جایی پیش رفت که این موضوع منجر به صدور فرمان عزل امیر کبیر از صدارت شد. اسفا که همیشه اقلیت های روشنفکر جامعه که آزاد زیستی را در گرو تنویر افکار مردم می دانند. در سیاهی حاکمانی که خواهان اسارت اذهان عوام هستند، گم و نابود می شوند تا هر بار امید های مردم برای یافتن هویت حقیقی خویش به یاس تبدیل شود و این هرزه علفهای استبداد بیش از پیش در دشت باورهای آنان رشد کنند. از اینرو نهالی دیگر که امید بارور شدن ثمرات فرهنگی برای مردم در پی داشت، قطع گردید تا هنوز همان باشیم که می خواهند.

بدانیم، بیاندهشیم، بپاخیزیم!

اعضای کانون دمکراتیک پناهندگان برآند که:

- جمهوری اسلامی به عنوان سد و مانع مبارزات رهائی بخش مردم ایران در جهت رفع ستم طبقاتی و استعمار فرد از فرد، محکوم به نابودی است و باید در وحدت عمل مبارزاتی با مبارزان دلیر داخل کشور به زباله دانی تاریخ سپرده شود. سرنوشتی رژیم اسلامی در تمامیت راه حل کنونی برای برقراری دمکراسی در ایران است.
- هرگونه دخالت خارجی چه از طریق اتحادیه اروپا و چه از طریق آمریکا، با قاطعیت مبارزاتی مردم ایران روبرو خواهد بود و در مورد حکومت آینده ایران فقط مردم ایران تصمیم خواهند گرفت نه بیگانگان که همیشه به فکر اپوزیسیون دست ساز برای خلق های محروم جهان هستند.
- هرگونه تجاوز نظامی به ایران را محکوم می کنیم و علیه تجاوز توسعه طلبانه و استعماری ایستاده ایم.

مسئولین ماهنامه

مدیر مسئول:

هیئت اجرایی کانون دمکراتیک پناهندگان

سردبیر: خسرو حسنی

هیئت تحریریه:

علیرضا حسنی، کامبیز فرمانبر، مهدی رضائی

دلشاد روانبخش رسولی

رادیو ندای مقاومت

رادیوی کانون دمکراتیک پناهندگان

<http://www.nedaye-moghavemat.ch>



پناهجویان، پناهندگان و ایرانیان آزاده، جهت ارسال خبر برای نشریه کانون، می توانید با شماره تلفن های مسئولین کانون دمکراتیک پناهندگان تماس بگیرید.

ارتباط های کانون

برای ایجاد ارتباط با کانون، دادن خیراز اوضاع پناهندگان و تقاضای عضویت در کانون، با پست الکترونیکی و تلفن های زیر تماس بگیرید.

۰۷۸۳۰۳۰۹۸۳	کانتون زوریخ: حمید عبدالقفاری
۰۷۸۷۶۱۰۲۳۲	کانتون برن: ناصر مومنی
۰۷۶۴۲۲۷۸۱۵	مسئول شهر برن: مهناز کیانی
۰۷۹۲۳۰۶۹۵۲	کانتون سولوتون: عباس بهادری
۰۷۹۳۸۷۷۳۴۷	کانتون بازل: ارسلان پناهی
۰۷۶۲۶۴۳۳۱۶	کانتون لوتسرن-شوویتس: اصغر طهمورثی
۰۷۸۷۴۸۴۴۵۹	کانتون سن گالن: صادق انشانی
۰۷۹۸۵۳۶۹۶۲	کانتون آرگانو: فریبرز معینی
۰۷۶۴۰۲۲۳۴۳	کانتون شاف هازن: فواد جهانی
۰۷۹۸۴۴۱۵۴۰	کانتون نوشاتل: رضا بهرمن
۰۷۸۶۵۶۶۷۱۹	کانتون فرایبورگ: محمد زلالی
۰۷۶۳۹۶۴۴۳۲	کانتون اب والدن: ابوالقاسم فرج اله
۰۷۸۶۷۴۲۵۱۰	بخش زنان: لیلا محمد قلی خانی

پست الکترونیکی و سایت کانون:

www.kanoun.ch

info@kanoun.ch

آدرس بانکی جهت کمک مالی:	آدرس پستی، تلفن و فاکس مسئول کانون:
Postbank Konto: 87- 441728 -5 Demokratische Vereinigung für Flüchtlinge (DVF)	Postfach 3562 Zürich 8021 Tel: +41-079 402 6409 Fax: +41-043 535 6159

بدانیم، بیاندیشیم، بپاخیزیم!

تصاویری از سه تظاهرات در شهرهای برن، لوتزن و بازل به مناسبت بیست و سومین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷



اتحاد، مبارزه، پیروزی